

بر اساس لایحه مصوب مجلس سازمان نظام پزشکی اسلامی، جایگزین سازمان صنفی مستقل پزشکان شد

*** طبق لایحه جدید، مدیریت سازمان نظام پزشکی به صورت انتصابی درآمد**
*** رفسنجان گفت: پزشکان مخالف کشور را ترک کنند**

اعتراض به این لایحه، دست به اعتصاب زده بودند. اقدام اعتراضی آنان، که انعکاس وسیعی یافت، با واکنش سرکوبگرانه حکومت مواجه گردید. دادستانی و وزارت کشور علنا فرمان پیکرد و سرکوب پزشکان معترض را صادر کردند. ارگان‌های اطلاعاتی و بقیه در صفحه ۸

در روز چهارشنبه ۲۵ تیر، دو روز پس از اعتصاب پزشکان، لایحه "سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی" به تصویب مجلس رسید و سازمان صنفی پزشکان، که تنظیم‌کننده روابط حقوقی آن‌ها به عنوان یک صنف، با ارگان‌های اجرایی بود، به تمامی، استقلال خود را از دست داد. پزشکان در

اکتریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۶۵ - پیرایر ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۱۷

اخراج دسته جمعی کارگران، دستاویز قانونی می‌یابد

بشارند؟

پیش از آن که مساله، به جلوه در آوردن آرایش تازه این قانون ضدکارگری باشد، درگیر بودن رژیم با مسائل عدیده کارگری است. مسائل کارگری از جمله مهمترین مسائل کربانگیر رژیم می‌باشند. رژیم برای مقابله با جنبش کارگری و برای پیش برد سیاست اخراج‌های دسته جمعی کسرتنه کارگران - که از سال گذشته در صدر مسائل کارگری قرار دارد - خود را به سیاست یکدست و جامعی نیازمند می‌بیند که کلیت رژیم بر روی آن توافق کرده باشد. یک چنین سیاست جامعی در یک قانون کار ضدکارگری تجلی می‌یابد. از همین روست که یکباره خبر می‌دهند لایحه جدید قانون کار می‌رود تادر دستور کار مجلس قرار گیرد. قانون کار که در یک سال گذشته، بقیه در صفحه ۷

کمالی، رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس رژیم، اعلام داشت که لایحه جدید قانون کار تا یک ماه آینده، برای شور اول به مجلس ارائه خواهد شد. گفتنی است که قانون کار در جمهوری اسلامی همچون کلاهی بی‌خریداری است که گاه در کمیسیون کار مجلس، گاه در وزارت کار و هیات دولت و گاه در حجره‌های حوزه علمیه نگهداری و اشیاء می‌شود و پس از مدتی، بسته به جو و اوضاع زمانه، بیرون آورده شده و در رسانه‌های همگانی و یا در مجلس به نمایش گذاشته می‌شود. بنابراین، نخستین پرسش این است که چه پیش آمده که این پدیده نفرت بار را مجدداً ظاهر ساخته‌اند. آیا بدان آرایش تازه‌ای داده‌اند و گمان می‌برند امروزه شرایطی فراهم آمده است که می‌توانند با پنجه‌های ماده‌ها و تیغ‌های آن کلوی کارگران را

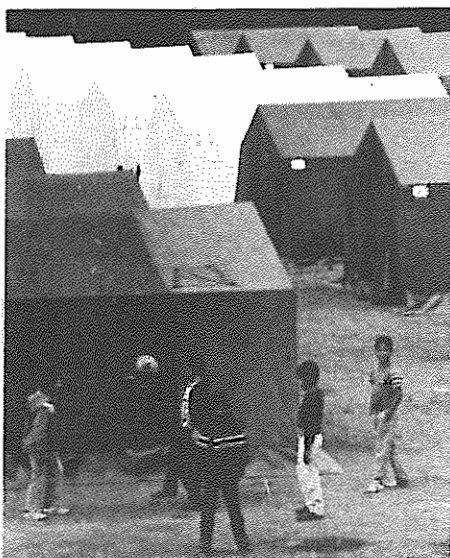
پیش نویس قرارداد احداث خط لوله انتقال نفت و گاز ایران به ترکیه امضا شد

ادامه سیاست سوزاندن گاز

خواهد کرد. گفته می‌شود که دولت ترکیه از تأمین همین مقدار هزینه نیز سرباز می‌زند. بر اساس پیش‌بینی‌های اولیه، ظرفیت انتقالی این خط لوله، روزانه معادل ۱ میلیون بشکه نفت برآورد شده است. جمهوری اسلامی به منظور صدور گاز خود به اروپا، طرح انتقال گاز به بندر اسکندرون را نیز دنبال می‌کند. بنا به گفته عاصمی پور احداث کامل این خط لوله ۴ سال به دراز می‌کشد.

"اکتریت" یکسال پیش در نشریه شماره ۶۴ در مقاله‌ای تحت عنوان "صدور گاز از طریق ترکیه، ادامه همان سیاست سوزاندن گاز است"، زمینه‌های سیاسی و اقتصادی زیانبار این اقدام را برشمرد. در این بقیه در صفحه ۲

خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش کرد که پیش نویس قرارداد احداث خط لوله انتقال نفت و گاز ایران به ترکیه، در آنکارا امضا شده است. بنا به گفته "عاصمی پور" مدیر مناطق نفتی وزارت نفت و نماینده نام‌الاختیار دولت جمهوری اسلامی در کمیته مشترک مطالعاتی ایران و ترکیه، که از جانب جمهوری اسلامی این پیش‌نویس را امضا کرده است، این خط لوله از خوزستان تا بندر اسکندرون امتداد خواهد داشت. هزینه احداث این خط لوله ۱۹۰۰ کیلومتری بالغ بر ۴/۲ میلیارد دلار برآورد شده است که بر اساس تصمیم نشست مقامات دو کشور، ۲/۵ میلیارد دلار آن را جمهوری اسلامی و ۱/۸ میلیارد دلار مابقی را ترکیه تأمین



یک میدان ورزشی در ریلین قریبی رژیم جنایتکار خبیثی هموطنانمان را آواره ساخته است. راستگرایان حاکم در آلمان فدرال آنان را در چنین مکان‌هایی اسکان داده‌اند

اوجگیری تبلیغات علیه پناهندگان ایرانی در آلمان فدرال

در هفته‌های اخیر، دولت دست راستی آلمان فدرال، احزاب و نیروهای راستگرا و رسانه‌های گروهی بورژوازی این کشور، تبلیغات گسترده و بیسابقه‌ای علیه پناهندگان سیاسی، و به ویژه پناهندگان سیاسی ایرانی، به راه انداخته‌اند. محور این تبلیغات، این است که گویا ورود پناهندگان به آلمان فدرال به بودجه دولت مرکزی، ایالات و شهرداری‌ها فشار می‌آورد و باید جلو آن را گرفت. افراطی‌ترین نیروهای راستگرا علاوه بر این، از پایت "ادامه موجودیت ملت آلمان" ایراز نکرا می‌کنند و تبلیغاتشان را روی این ادعا متمرکز کرده‌اند که افزایش شمار اتباع خارجی، "خطر"ی برای "وحدت و یکپارچگی جامعه آلمانی" است. این سمیاتی‌های ردیبلانه، شکل دیگری از تبلیغات نژادپرستانه و فاشیستی است که در تاریخ آلمان، سابقه سیاهی دارد.

دستاویز کارزار اخبر و هدف واقعی آن

ظاهرا بیانه و دست‌آویز نیروهای راستگرای آلمان فدرال برای به راه انداختن کارزار تبلیغاتی اخیر علیه پناهندگان، بقیه در صفحه ۳

در این شماره

- انعکاس جهانی مبارزه خلق بلوچ در صفحه ۲
- بازتاب مسائل ایران در مطبوعات مترقی جهان در صفحه ۲
- دوشبوه برخورد با حق کار در صفحه ۱۴
- مطبوعات طنز در نبض مشروطیت در صفحه ۶
- چگونه باید کار کرد؟ در صفحه ۱۲

از خاک و خشم و اندوهم
شعری از اسماعیل خوشی
در صفحه ۱

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

انعکاس جهانی مبارزه خلق بلوچ

نزدیکی ایرانشهر را مورد حمله قرار داده و نظامی را از پای درآوردند. ۱۲ تن از یاسداران انقلاب اسلامی در جریان نبرد با دسته بلوچ‌ها در حومه میرجاوه به هلاکت رسیدند. رادیو مسکو نیز در بخش فارسی خود همین خبر را بازنتاب داد.

خبرگزاری افغانی باختر نیز خبر بروز درگیری‌هایی در بلوچستان را انتشار داد. این خبرگزاری طرف مقابل رژیم را در درگیری‌های اخیر "گروه‌هایی که در راه حفظ حقوق ملی خود مبارزه می‌کنند" توصیف کرده

را در ارکان‌های حکومتی دارند و متقابلاً بسیاری از ابیادی حکومت به کار قاچاق مشغولند.

اخبار درگیری‌های مسلحانه در بلوچستان در رسانه‌های خبری جهان نیز بازنتاب یافته است. روزنامه شوروی پروداخبر بروز درگیری‌هایی بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و قبایل بلوچ در مناطق خاوری ایران را درج کرده است. در این خبر آمده است

؛ "بلوچ‌ها یک پایگاه نظامی در

مبارزه مردم بلوچستان در برابر رژیم خمینی اوج می‌گیرد. مادر شماره‌های گذشته نشریه، نمونه‌هایی از این مبارزات و هم‌چنین واکنش حکومت در تقویت ارکان‌های سرکوب در منطقه را درج کردیم. جمهوری اسلامی می‌کوشد نیردهای مسلحانه در بلوچستان را، درگیری با قاچاقچیان وانمود سازد. این در حالی است که اکثر قاچاقچیان بزرگ در منطقه، به روال معمول مکاری و روابط نزدیکی با حکومتیان دارند؛ خان‌ها و قاچاقچیان عوامل و پشتیبانان خویش

ادامه سیاست ...

بقیه از صفحه اول

مقاله ما سیاست انتقال نفت و گاز از طریق ترکیه را ضد ملی و مخالف منافع مردم کشورمان و یکام انحصارات امپریالیستی ارزیابی کردیم. اینک پس از امضای پیش نویس قرار داد احداث خط لوله انتقال نفت و گاز از طریق ترکیه، مجدداً پهنی از مقاله زبور را درج می‌نمائیم:

"صدور گاز از طریق ترکیه، کاملاً به زیان مصالح ملی است و در عمل در خدمت اهداف امپریالیستها نسبت به "تامین گاز ارزان و سهل الوصول" خواهد بود.

اولاً با صدور گاز از طریق ترکیه، قیمت و صدور گازها، تابع سیاستها و فشارهای دولت مرتجع ترکیه و همچنین دول امپریالیستی قرار می‌گیرد. این دقیقاً بدین معناست که خواست امپریالیسم را مبنی بر کنترل انحصاری قیمت گاز، تامین می‌نماید. ثانیاً بیعت نبود خط لوله گاز به ترکیه و همچنین فقدان تکنولوژی لازم برای صدور گاز، منجر به دعوت از انحصارات امپریالیستی و کارشناسان خارجی خواهد شد؛ و این نیز به کام دولت‌های امپریالیستی بر حلاوت و سخت شیرین است.

ثالثاً بیعت عدم وجود خطوط لوله در حال حاضر، صدور گاز از طریق ترکیه به اروپا، تا چند سال دیگر میسر نیست و بنا بر این باز سال‌های متمادی گاز کشورمان همچنان خواهد سوخت.

صدور گاز از طریق ترکیه، مرد و خواست انحصارات امپریالیستی را تامین می‌نماید، یعنی هم سرمایه اولیه احداث خط لوله و تکنولوژی لازم آن بر دوش کشور صادر کننده گاز، یعنی ایران و بخشی از آن بر عهده دولت ترکیه خواهد افتاد و هم اهرم‌های سیاسی و اقتصادی کنترل و نوسان قیمت گاز انحصاراً در اختیار دول امپریالیستی قرار خواهد گرفت "

("اکثریت" شماره ۶۴ - ۱۷/۴/۶۴)

بازتاب مسائل ایران در مطبوعات مترقی جهان:

جنگ، اقتصاد ایران را نابود می‌کند

تهران، ایران‌باند در گرمسار و سیکوم در اصفهان صورت گرفته‌اند. روزنامه "تاسیتونگ فوم لتزبورگرفولک" ارکان حزب کمونیست لوکزامبورگ نیز در شماره ۱۷ ژوئیه خود مقاله‌ای درباره ایران تحت عنوان "بیکاران در جبهه‌ها" دارد که به اوضاع اقتصاد ورشکسته ایران و تلاش‌های رژیم برای پیشبرد سیاست‌های جنگ افروزان می‌پردازد.

درآمدهای ارزی پرداخته است. در این مقاله آمده است؛ "همه اطلاعات و کزارشها از کارخانه‌های ایران، حاکی از افزایش اخراج‌ها و تعطیل واحدهاست. رژیم به جوانان بیکار در صورت داوطلب شدنشان برای خدمت در جبهه، وعده حقوق و امتیازات می‌دهد. همچنین، اقدامات اعتراضی و مقاومت در برابر رژیم در کارخانه‌های ایران و یاسا و دخانیات در

روزنامه "فولکس اشتیمه" (صدای خلق) ارکان حزب کمونیست انریش در یکی از شماره‌های اخیر خود مقاله‌ای تحت عنوان "جنگ، اقتصاد ایران را نابود می‌کند" به چاپ رسانده‌اند. آن، به اقدامات رژیم خمینی برای تامین نیروی انسانی مورد نیاز جبهه‌ها، معامله ۲۵ میلیارد دلاری افشا شده جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل، کاهش

نیروهای مترقی در هلند بیگردد و شکنجه مبارزین ایرانی را محکوم کردند

انوشیروان لطفی عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی این سازمان که چهار سال است بدون دلیل در زندان‌های دولت شما به بند کشیده شده، در معرض خطر جدی قرار دارد.

ما سازمان‌ها و افراد امضاکننده این نامه، جدا از دولت شما می‌خواهیم،

- شکنجه و کشتار در زندان‌های جمهوری اسلامی متوقف شود؛

- محاکمه زندانیان سیاسی، علنی و با برخورداری از حقوق شناخته شده افراد برگزار شود

- رفیق انوشیروان لطفی آزاد گردد"

زندان‌های شما، اعمال سخت‌ترین شکنجه‌های جسمی و روانی بر آن‌ها و اعدام مبارزین راه صلح و دموکراسی پس از محاکمه‌های ساختگی در پشت درهای بسته، و از آن جمله اعدام یازده تن از رهبران و کادرهای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، تنها گوشه‌ای از جنایاتی است که علیه دموکراسی و آزادی در کشور شما جریان داشته است.

اکنون نیز جان تعداد کثیری از این مبارزین منجمله بسیاری از کادرها و اعضای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و سایر سازمان‌های مترقی ایران، و به ویژه جان رفیق

از سوی حزب کمونیست عراق در هلند، حزب سوسیالیست شیلی-هلند، اتحادیه سراسری جوانان هلند، سازمان کارگران ترک در هلند، و چندین سازمان مترقی دیگر و نیز عده‌ای از شخصیت‌های مترقی این کشور، نامه‌ای به سفارت ایران در هلند ارسال گردید که متن آن چنین است؛

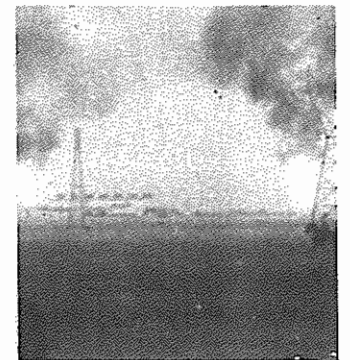
به سفارت جمهوری اسلامی به قرار اطلاع، جمهوری اسلامی سیاست سرکوب و فشار سنگینی را متوجه سازمان‌ها و شخصیت‌های مترقی و دمکرات ایران نموده است. وجود تعداد بسیاری زندانی سیاسی در

احضار کاردار جمهوری اسلامی به وزارت خارجه افغانستان

پای‌بندی طرف ایرانی به اصول حسن هم‌جواری است. این یادداشت می‌افزاید ادامه این چنین اظهارات خصمانه، تأثیر منفی بر روابط دو کشور خواهد داشت. لازم به ذکر است که در ماه‌های اخیر تبلیغات ضد افغانی در تهران افزایش یافته است.

ایران، اعتراض کرد. در یادداشت اعتراضی وزارت خارجه افغانستان ضمن محکوم کردن اظهارات خصمانه خامنه‌ای نسبت به جمهوری دمکراتیک افغانستان آمده است این سخنان مغایر با مقررات شناخته شده بین‌المللی و نشانه دیگری از عدم

وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان با احضار کاردار سفارت جمهوری اسلامی در کابل، نسبت به اظهارات سید علی خامنه‌ای رییس جمهوری رژیم ولایت فقیه در ملاقاتش با سرکردگان گروه‌های ضد انقلابی افغانی مستقر در



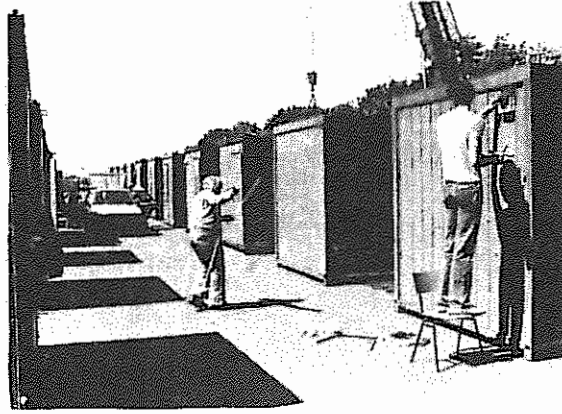
اوجگیری تبلیغات علیه پناهندگان ایرانی در آلمان فدرال

*** دولت دست راستی بن از به راه انداختن کارزار ضد پناهندگان
چهارده می را دنبال می کند**

*** اتحاد و تشکل، تنها راه پناهندگان برای دفاع از حقوق خود است**

سیاسی، حق پناهندگی دارند." در مورد این پیشنهاد و سایر پیشنهادهای مشابه نظیر لغو حق استیناف در صورت رد شدن تقاضای پناهندگی، دادن اختیار به مرزبانان برای برگرداندن پناهندگان از مرز، برقراری پنج سال ممنوعیت کار برای پناهندگان و... کنفرانسی در ماه سپتامبر تصمیم خواهد گرفت. در این کنفرانس مسئولین دولت فدرال و ایالت ها شرکت خواهند جست.

بدین ترتیب باید انتظار داشت در هفته های آینده، بحث پیرامون مسئله پناهندگان در آلمان فدرال ادامه یابد. نتیجه این بحث، کاملاً بستگی به مبارزه ای خواهد داشت که خود پناهندگان در اتحاد با نیروهای دمکراتیک آلمان فدرال، در دفاع از حق مسلم پناهندگی به پیش خواهند برد. پناهندگان ایرانی، که به علت شرایط سخت و غیرانسانی حاکم بر میهنمان، ناچار به چلای وطن شده اند، در چند روز اخیر دیده اند که هزاران کیلومتر دور از خانه و کاشانه شان، تنها نیستند، وقتی هفته گذشته در برلین غربی دستجات فاشیستی قصد حمله به پناهندگان را داشتند، نیروهای چپ و دیگر مردم آزاداندیش و ترقی خواه، با حضور در محل این نقشه را خنثی کردند. واقعیت آن است که نیروهای دمکراتیک آلمان فدرال و برلین غربی، دفاع از حقوق پناهندگان را وظیفه خود می دانند و در این امر، ثابت قدمند. برای آنکه این حمایت و یاری، موثرتر شود، پناهندگان ایرانی چاره ای جز اتحاد و تشکل ندارند. هیچ چیز نباید مانع یکپارچگی صفوف پناهندگان در دفاع از حقوقشان گردد.



کانتینرهای مخصوص حمل و نگهداری کالا. در این سلولهای فلزی بی منفذ پناهندگان سیاسی جای داده شده اند.

ضرورت دفاع از حق پناهندگی

هفته گذشته، سیمرن، وزیر کشور آلمان فدرال طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد یک رشته اقدامات به منظور "مقابله با سیل پناهندگان" در دست بررسی است. وی گفت با توجه به خودداری آلمان فدرال در این زمینه، این اقدامات ضرورت می یابند. (لازم به تذکر است جمهوری دمکراتیک آلمان طبق مقررات بین المللی به افرادی که مایل باشند، ویزای عبور برای ورود به برلین غربی را می دهد.) وزیر کشور دولت هلموت کول افزود از جمله اقدامات مورد بررسی، تغییر ماده ۱۶ قانون اساسی آلمان فدرال است که مقرر می دارد: "افراد تحت پیگرد

آنکه در حال حاضر، متقاضیان پناهندگی که پرونده شان در جریان است، تا دو سال اجازه کار ندارند و در نظارت در چارچوب اقدامات برنامه ریزی شده علیه پناهندگان، این مدت را به پنج سال افزایش دهند. هدف واقعی تبلیغات ضد پناهندگان در آلمان فدرال، دامن زدن به احساسات و روحیات ارتجاعی "خارجی ستیزی" است که احزاب دست راستی امیدوارند بتوانند با سوار شدن بر آن، اهداف سیاسی معینی را به پیش برند. از آن جمله است انحراف آذهان از ریشه های واقعی بحران اقتصادی و بیکاری و ایجاد تفرقه در صفوف طبقه کارگر آلمان فدرال (که بخش قابل توجهی از آن را کارگران خارجی تشکیل می دهند). آنچه به ویژه در شرایط کنونی، تبلیغات ضد خارجی را برای نیروهای دست راستی آلمان فدرال از اهمیت برخوردار می کند، انتخابات ژانویه ۱۹۸۷ است. در این انتخابات، سرنوشت ائتلاف دست راستی حاکم (متشکل از دمکرات مسیحی ها، سوسیال مسیحی ها و لیبرال ها) تعیین خواهد شد. احزاب دست راستی می خواهند با طرح مسئله پناهندگان، فضای کارزار انتخاباتی را تحت الشعاع احساسات شوییستی و نژادپرستانه قرار دهند و از بتانسیل آرایی که بدین نحو بدست می آید، استفاده کنند.

بقیه از صفحه اول
افزایش شمار اتباع خارجی و اکثرا ایرانی است که از طریق فرودگاه برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، وارد برلین غربی می شوند. کانال های تلویزیونی آلمان فدرال تقریباً هر شب فیلم هایی از محل اقامت موقت متقاضیان پناهندگی در برلین غربی نشان می دهند. مقامات برلین غربی که وظیفه دارند در اسرع وقت به پرونده پناهندگان رسیدگی کرده و برای انتقالشان به محل های تعیین شده در سراسر آلمان فدرال اوراق عبور صادر نمایند، عمداً این کار را به درازا می کشند تا با تراکم تعداد متقاضیان پناهندگی در برلین غربی، خوراک تبلیغاتی مورد نظر رسانه های گروهی دست راستی فراهم شود. این مقامات همچنین بطور تحریک آمیزی در پارکینگ ها، زمین های ورزش و اماکن عمومی چادر و کانتینر برپا می کنند و پناهندگان را در آن ها جا می دهند تا مردم محل را علیه پناهندگان بشورانند.

مقامات آلمان فدرال برای بزرگ جلوه دادن ایجاد مسئله پناهندگی، در ارقام مربوط به آن نیز دستکاری می کنند. مثلاً مرزبانان، برخلاف منشور حقوق پناهندگان ژنو، از افراد زیر شانزده سال نیز می خواهند فرم تقاضای پناهندگی را پر کنند تا بدین ترتیب، آمار متقاضیان پناهندگی بالا برود. بدین ترتیب، دولت بن مدعی است در حال حاضر ۶۰۵ هزار پناهنده در آلمان فدرال به سر می برند. اما کیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد شمار پناهندگان در آلمان فدرال ۱۲۶۱ هزار تن اعلام کرده است. از این تعداد، ۵۲ هزار نفر مشمول حق پناهندگی شناخته شده اند و بقیه، در پیچ و خم های اداری سرگردانند. طبق آمار سازمان ملل متحد، تعداد پناهندگان نسبت به جمعیت آلمان فدرال تنها ۰/۲۱ درصد و بدین ترتیب از نازل ترین ارقام موجود در جهان است.

این واقعیت، بیانگر آن است که وجود پناهندگان، برای دولت آلمان فدرال که سالانه ده ها میلیارد مارک صرف امور تسلیحاتی می کند، هیچ گونه فشار اقتصادی قابل ذکری نیست. اگر واقعاً چنین می بود، به پناهندگان از ابتدای ورودشان اجازه کاری دادند تا نیازمند مقرری یخورو نمیر اداره رفاه اجتماعی نباشند. حال



مجلس خبرگان حکم جانشینی منتظری را امضا کرد

رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ تیرماه اعلام کرد که در نشست اخیر مجلس خبرگان حکم جانشینی منتظری امضا شده و سند امضا شده آن برای منتظری ارسال گشته است. رفسنجانی اظهار داشت که: "الحمد لله باهم آهنگی‌هایی که در جلسات هفته گذشته مجلس خبرگان بعمل آمد، آینده انقلاب بیمه شد."

صدور کالاهای مورد نیاز مردم

کبهان ۲۲ تیرماه - از سوی "دبیرخانه شورای عالی صادرات"، اسامی ۹۰ کالا که می‌توانند بدون کسب مجوز صادر شوند اعلام شد. روزنامه کبهان ضمن درج خبر فوق فهرست اقلام صادراتی مورد نظر شورای عالی صادرات را نیز منتشر کرد. در بین اقلام کالاهای صادراتی به استثنای مواد معدنی، کالاهایی چون مبلمان ظروف و مصنوعات پلاستیکی، محصولات صنایع بهداشتی، لاستیک اتومبیل، چینی بهداشتی، ظروف چینی، اجاق گاز، سیلندر گاز، کولر آبی، انواع بخاری، لباس و کفش، ماشین لباسشویی، تلویزیون رنگی و سیاه سفید، بیخچال، کاپلر برق و... نیز مشاهده می‌شوند. تمام این کالاها بشدت مورد نیاز مردم کشور است مسئولین مملکتی با قصد صدور این کالاها، هدف تحصیل ارز را دنبال می‌کنند.

کاهش مجدد قیمت نفت در بازارهای جهان

در آستانه اجلاس وزرای نفت کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، ارزش این فرآورده بازم در بازارهای جهان کاهش یافت. براساس گزارش‌های رسمی، قیمت هر بشکه نفت دوبی برای تحویل در ماه اوت به ۶/۷۵ دلار رسیده است. در ماههای اخیر گرچه ارزش نفت در بازارهای جهان به علل گوناگون نوسان می‌کرد، اما روند کاهش مستمر قیمت نفت کماکان ادامه یافته است. معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست رژیم در عرصه نفت در هفته گذشته سفرهایی به لیبی و الجزایر کرد. هاشمی رفسنجانی نیز در همین رابطه با سفیر الجزایر در تهران ملاقات کرد. باید افزود که رسانه‌های بین‌المللی احتمال دستیابی به یک تصمیم مشترک و فراگیر در اجلاس آتی اوپک را بعید ارزیابی کرده‌اند.

گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی و آلمان فدرال

مهندس آیت‌اللهی وزیر معادن و فلزات جمهوری اسلامی در دیدار با "فرتاک" سفیر جمهوری آلمان فدرال اعلام کرده، "آثار گسترش روابط دوجانبه ایران و آلمان غربی در زمینه‌های"

خطر از سرگیری جنگ شهرها

هواپیماهای عراق به سنج ۲۰ تن و از جمله ۸ کودک جان باخته‌اند.

ستاد تبلیغات جنگ با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی در صورت تداوم حمله عراق به مناطق مسکونی، "مقابله به مثل" خواهد کرد. کمال خرازی سرپرست ستاد تبلیغات جنگ از سازمانهای بین‌المللی درخواست کرد تا مانع از حملات هوایی عراق به مناطق مسکونی ایران بشوند. این درحالی است که عراق نیز همواره نسبت به حملات جمهوری اسلامی به مناطق مسکونی این کشور اعتراض کرده و خواستار آن بوده است که سازمانهای بین‌المللی و از جمله سازمان ملل، جمهوری اسلامی را وادار به رعایت مفاد قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر عدم حمله به اهداف غیر نظامی بنمایند.

پسپج همه امکانات برای دستگیری موشمولان غایب

باشکاهای ورزشی را زیر نظر داشته و موشمولان غایب را دستگیر نمایند. در ماده ۲۰۷ این تصویبنامه قید شده است که سازمانها و نهادهای نظامی و انتظامی رژیم از این پس به بازرسی کارخانه‌ها، کارگاهها، بنگاهها، مغازه‌ها و... پرداخته‌اند و موشمولان و "کارفرمایان خاکی" را دستگیر خواهند کرد. تمهیدات رژیم برای شناسایی و دستگیری موشمولان فراری در شرایطی صورت می‌گیرد که بنا به اعتراف محتشمی وزیر کشور، تعداد موشمولانی که از معرفی خود به حوزه‌های نظام وظیفه خودداری می‌ورزند، بسیار زیاد است. محتشمی وزیر کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه کبهان مورخ ۲۴ تیرماه مدعی شد که ظرف روزهای اخیر سیصد هزار موشمول غایب خود را معرفی کرده‌اند. این رقم هرچند فوق‌العاده اغراق‌آمیز است اما تصویری از میزان موشمولان غایب را ارائه می‌کند.

روز چهارشنبه اول مرداد ماه هواپیماهای جنگی عراق از مرزهای کشورمان گذشتند و برخی از نقاط کشور را بمباران کردند. عراق اعلام کرد که طی این حمله هوایی یک کارخانه اسلحه‌سازی واقع در جنوب تهران و تاسیسات فولاد مبارکه اصفهان را بمباران کرده و به این مراکز خسارات سنگینی وارد ساخته است. رادیوی جمهوری اسلامی همان روز اعلام کرد که هواپیماهای جنگی عراق به یکی از آبادی‌های حومه تهران حمله کرده و ۷ تن را زخمی کرده است. از سوی دیگر سرفرماندهی ارتش عراق اعلام کرد دو یادگان نظامی و یک مرکز فرماندهی ایران واقع در کردستان را مورد حمله قرار داده است این در حالی بود که جمهوری اسلامی خبر حمله هواپیماهای عراقی به مناطق مسکونی مریوان، سنندج و بیرانشهر را منتشر نمود. بنا به اخبار رادیوی جمهوری اسلامی در حمله

کبهان ۲۶ تیرماه - مجلس شورای اسلامی با تصویب "اصلاحات و الحاقات آئین‌نامه اجرایی قانون خدمت وظیفه عمومی" چگونگی شناسایی و دستگیری موشمولان غایب را روشن کرد. براساس این تصویبنامه، همه پرسنل اداری و همه امکانات اجرایی، انتظامی و نظامی در خدمت دستگیری موشمولان غایب بسیج خواهد شد. سپاه پاسداران، کمیته‌ها، ژاندارمری و شهرداری موظف به شناسایی و دستگیری موشمولان غایب شده‌اند. در تصویبنامه فوق، تحت عنوان "اطلاعات مردمی" از همه پرسنل و کادری اداری وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادها درخواست شده است که به منظور شناسایی و دستگیری موشمولان غایب، برای رژیم جاسوسی کنند. در ماده ۲۰۴ این تصویبنامه تصریح شده است که مامورین رژیم وظیفه دارند اماکن عمومی از قبیل هتل‌ها، میهمانخانه‌ها، کارگاه‌ها، سینماها، ترمینال‌های اتوبوسرانی، پارکها و

کودکان و کار



پدرانشان را اخراج کرده‌اند... هزینه‌های سرسام آورنده بودن و زندگی کردن پس دیگر مجالی برای تحصیل و شکفتگی جسم و جانانشان باقی نمی‌ماند، باید برای تأمین معاش خود و خانواده بکوشند، گرچه که خردسالند، اما چاره‌ای جز این نیست... لرزانیان "کوچک" نظام ستیز حاکم.

اخباری از کارخانه های شیراز

* کارخانه ترگس شیراز بعثت نداشتن مواد اولیه عملاً تعطیل شده است. این کارخانه که روغن نباتی تولید می کند دارای ۹۰ کارگر است. تاکنون تعداد زیادی از کارگران اخراج شده اند. این امر موجب اعتراض کارگران گردیده است مامورین کمیته برای فرونشاندن اعتراض و زهر چشم گرفتن از کارگران تعدادی از معترضین را دستگیر کردند دستگیری کارگران اخراجی شدیداً نفرت کارگران از رژیم افزوده است.

* شرکت لاستیک سازی دنا در شیراز، لاستیک اتومبیل تولید می نماید و ۱۵۰۰ کارگر در آن بکار اشتغال دارند. این کارخانه نیز بعثت نداشتن بودجه و مواد اولیه در معرض تعطیل کامل قرار گرفته است. تمامی کارگران موقت این واحد تولیدی اخراج شده اند.

* در شرکت سایبر که پیمانکاری نصب لوله های گاز را بر عهده دارد دو ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. مسئولین شرکت سایبر می گویند با تهدید به اخراج کارگران راه سکوت وادارند.

* شرکت دولتی چرمینه زیر نظر بانک صنعت و معدن اداره می شود. بیلان این شرکت تاکنون ۷۰۰ میلیون تومان ضرر نشان می دهد. براساس خبرهای رسیده دزدی ها و سوء استفاده های کلانی در این شرکت صورت گرفته است. شرکت چرمینه اعلام ورشکستگی کرده و کلیه کارگران اخراج شده اند.

کارگران واحد تولیدی وزنه مدیر کارخانه را به گروگان گرفتند

اوایل اردیبهشت ماه سال جاری، کارگران کارخانه "وزنه" در پی رد درخواستشان از طرف مسئولین و مدیر کارخانه، دست به اعتصاب زده، مدیر آن را نیز به مدت دو روز به گروگان گرفتند.

واحد تولیدی وزنه شامل دو کارخانه شماره ۱ و ۲ است که زیر نظر وزارت صنایع سنگین اداره می شود. اقدام کارگران این واحد تولیدی از آنجا آغاز شد که مسئولین کارخانه پس از اعزام اجباری پانزده نفر از کارگران فنی کارخانه شماره ۱ به جبهه، کارگران کارخانه شماره ۲ را تحت فشار قرار دادند که با افزودن بر شدت و زمان کارشان، پانزده نفر را از قسمت خود آزاد کرده و به کارخانه شماره ۱ برای کار به جای کارگران اعزامی به جبهه، بفرستند. کارگران با علم بر اینکه مسئولین با این ترفند علاوه بر اعزام آنان به جبهه، تشدید فشار کار و اخراج آنان را نیز در سر دارند، اعلام کردند که حاضر به تامین نیرو به جای کارگران اعزامی به جبهه نیستند و تولید کارخانه نیز با کمبود کارگران فنی نمی تواند مثل سابق ادامه یابد. اما علی رغم خواست کارگران، وزارت صنایع سنگین و مدیر کارخانه بر آن بودند که پانزده نفر را از کارخانه شماره ۲ به شماره ۱ منتقل کنند. کارگران برای مانعیت از این امر دست به اعتصاب زده، مدیر کارخانه را نیز به گروگان گرفتند.

پس از دو روز، پاسداران مداخله کردند و چون با وعده و وعید نتوانستند کارگران را وادار به کار سازند، برای مرعوب ساختن آنان، تعدادی را دستگیر کرده و با خود بردند.

بورش هر روزه به بساط دستفروشان

فقر و فلاکت زحمتکشان را واداشته است تا برای یافتن قوت لامبوت به دستفروشی روی آورند. اما اوباشان رژیم با بیورش به بساط آنان به بیانه سد معبر وضع را برایشان دشوارتر ساخته اند. مردم به اشکال مختلف به مقابله با اوباش و عوامل حکومتی پرداخته و انزجار خود را از اعمال آنان بروز می دهند. نمونه آن هو کردن مامورین شهرداری توسط مردم در میدان "فوزیه" بود. نمونه دیگر چنین گزارش شده است:

روز یازدهم اردیبهشت، مامورین شهرداری برای جمع آوری بساط زبیب فروشان که دریای پله های مسجد شاه تهران مشغول کار بودند، بیورش آوردند. آنان بساط زیبای فروشان را یک به یک جمع کرده و داخل ماشین شهرداری می ریختند. دستفروشان با مامورین درگیر شده و درصدد بودند که از کارشان جلوگیری کنند. در این میان آخوندی از راه رسید و به یکی از دستفروشان که با مامور شهرداری دست به گریبان بود گفت "چرا به روی مامور دولت بر می گردی؟" جمعیتی که با خشم و نفرت ناظر صحنه بودند، آخوند مزبور را چنان هو کردند که فرار از بر قرار ترجیح داد.

دروستاهای باز توسط مامورین انتظامی توقیف شده است.

* قطع مستمر برق در نواحی گرمسیر کشور و از جمله در خوزستان باعث اعتراض مردم شده است. گفته می شود قطع مکرر برق باعث خراب شدن بسیاری از وسایل برقی خانگی شده است.

* منتظری روز جمعه ۲ مرداد ماه، با مسئولان آموزشی ساواک رژیم دیدار و گفتگو کرد.

* کیهان ۲۱ تیرماه - وزیر بهداشت و درمان در گفتگویی با کیهان اعلام کرد که میانی برای استخدام پزشک به پاکستان عزمیت خواهد کرد. طرح استخدام پزشک از پاکستان در جریان اعتصاب پزشکان مطرح شده است.

* اطلاعات ۲۵ تیرماه - یکی از نمایندگان مجلس فاش ساخت تعداد کسانی که در لیست انتظار بیمارستان قلب قرار دارند بالغ بر ۲۶ هزار نفرند. وی افزود که بیمارستان قلب تهران سالانه بیش از ۱۸۰۰ نفر ظرفیت ندارد. بدین ترتیب بسیاری از بیماران نیازمند جراحی قلب باید حدود ۱۵ سال در انتظار بمانند.

* کیهان ۱۰ تیر - ارزش فروش خدمات ۱۸۷ آژانس کرایه اتومبیل در تهران در سال ۶۴، بالغ بر ۴۴۶۶ میلیون ریال برآورد شده است. بدین ترتیب ارزش فروش خدمات هر آژانس اتومبیل کرایه ای در تهران بطور متوسط سالانه در حدود ۲۵ میلیون ریال است.

سیاسی، اقتصادی، صنعتی و همچنین توسعه فعالیت های جدید فیما بین در زمینه های مختلف مشهود است. بطوریکه جمهوری فدرال آلمان طرف دو سال گذشته در زمینه تجارت خارجی با ایران مقام اول را حائز گشته است.

در این دیدار از شرکت کروب خواسته شده است که در شرکت ملی صنایع مس ایران و صنایع فولادسازی سرمایه گذاری و مشارکت نماید.

دامنه فساد مسئولین حکومتی

درگیری ها و دسته بندی های درون حکومت باعث شده است که هر دارودسته، پرونده طرف مقابل را افشا سازد. آنها هم دیگر را تهدید می کنند که اگر تویکویی من هم می گویم. در روزنامه اطلاعات ۲۵ تیرماه سخنان یکی از نمایندگان مجلس یشرح زیر درج شده است:

"در هر صورت آقای فهیم کرمانی دوروز قبل، بنایه اتهامات، به دادسرا احضار شدند و بعد از چند ساعت بازداشت، با قید ضمانت چند نفر از برادران نماینده، به مبلغ ۵ میلیون ریال، اجازه یافتند به منزل بروند... منتظریم که پرونده های "هفتم تیر" و "چهارده اسفند" و امثال اینها به اندازه اتهامات میهمی که به آقای فهیم بسته می شود، اهمیت پیدا کند. پرونده افرادی که نزدیک به ۲۰۰ میلیون تومان جریمه قاچاق را اخل نموده و حتی صورت خرج کرد قابل ارائه ای ندارند و افرادی را اعدام کرده اند که حتی پرونده مختصری درباره آنها وجود ندارد..."

کشف ۱ تن مواد مخدر در سه ماه

اطلاعات ۲۲ تیرماه - کلانتری "جانشین فرماندهی کل کمیته های انقلاب اسلامی" در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام کرد "که در سال ۶۴ قریب به ۱۴ تن مواد مخدر کشف شده است. نامبرده اعلام کرد که تنها در سه ماه اول سال جاری، ۱۰ تن مواد مخدر کشف و ضبط شده است. وی اعتراف کرد که مستمر ا مقادیر قابل ملاحظه ای مواد مخدر در کشور توزیع می شود.

شناسنامه شهرهای استان مازندران

کیهان ۲۴ تیرماه - از سوی مرکز آمار ایران شناسنامه شهرهای استان مازندران در سال ۶۴ منتشر شد. براساس این نشریه استان مازندران در سال ۱۳۶۲ بالغ بر ۲/۸۲۹ میلیون نفر جمعیت داشته و تراکم جمعیت در کل استان ۶۰/۹ نفر در کیلومتر مربع است. تراکم جمعیت در ۴۷ شهر این استان (در مناطق شهری) ۲۵۲۶ نفر در هر کیلومتر مربع می باشد. بر اساس این نشریه ۳۴ بیمارستان این استان در ۱۵ شهر متمرکز بوده و ۲۲ شهر دیگر فاقد بیمارستان هستند.

از میان دیگر رویدادها

* کیهان ۲۵ تیرماه - یکی از نمایندگان مجلس، "در رودسر که یکی از مراکز اصلی تولید برنج است دو کیلو برنج بطور آزاد یافت نمی شود. در یک طرح عجولانه و غیر قانونی تمامی برنجهای روستا ثیان

مطبوعات طنز در نهضت مشروطیت

"ملا نصرالدین"

آیینیه "پیداری آسیا"

هشتاد سال از انتشار نشریه "ملا نصرالدین" می‌گذرد. "ملا نصرالدین" و بنیانگذار آن جلیل محمد قلی‌زاده معروف به ملا نصرالدین، و میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر شاعر برجسته این نشریه، درخشانی‌ترین نامها در ادبیات مشروط هستند. بعد از نخستین انقلاب خلقی روسیه (۱۹۰۵)، که شیور "پیداری آسیا" یصادر آمد، و همزمان با آغاز خیزش مردم ایران بر ضد استبداد و استعمار، انتشار "ملا نصرالدین" آغاز گردید. انقلابیون تبریز، انتشار آنرا پدرستی بمتابه صاعقه‌ای دانستند که "مردم را از خواب غفلت بیدار کرد" و پدر آگاهی در خیزش مردم پیراکند. "ملا نصرالدین" توانست با همان نخستین شماره‌های خود، بطور شگرفی در دل توده‌های مردم بنشیند و با نشان دادن تمام جوانب ریشه‌های فلاکت و عقب ماندگی جامعه، مبارزه مردم را جهت دمد. "ملا نصرالدین" همواره بر این اندیشه‌یای می‌فرد که مبارزه با استبداد و استعمار، اگر عمیقاً با مبارزه پیکر فرهنگی بر علیه آیین‌های پوسیده، و بر ضد جهل و خرافه‌پرستی و آخوندپرستی گره نخورد، شریخش نخواهد بود. تازیانه‌های طنز "ملا نصرالدین"، هم بر تن استبداد سیاه شاه شیار می‌انداخت و هم بر پیکر متعفن حاملان فرهنگ جهل و خرافه. صابره مردم هتد امری داد:

تصور می‌نمایید اینکه قانون - اساسی می‌شود اجرا؟
مگر مرده‌اند فضل‌الله‌ها - مبرهاشم‌ها؟
همه هستند، لیکن بی‌خبر هستند از آن‌ها بدون شک شناسید عاقبت آن جمع راه - اما در آن روزی که می‌گردید بکسر فرقه - در خون‌ها"

"ملا نصرالدین" خطاب به مردم می‌گفت: "من می‌ترسم، می‌ترسم در آینده نه چندان دور، در طی چهل سال، چشم بکشاید و ببینید هشتصد ملا بکجا خلق شده، همه رشته امور مملکت را بدست گرفته، شما را به "امان خدا" و

افسارتان را به دست بیگانگان سپرده‌اند." (شماره ۲۵ - سال ۱۹۰۸). مبارزه بی‌امان "ملا نصرالدین" با مرتجعین تاج پسر و عامه پسر، خشم و کینه آن‌ها را برانگیخت. آن‌ها طی تکفیرنامه‌ای که مهر آخوندهای نجف راهم خورده بود، نشریه "ملا نصرالدین" را "اوراق مضله"، خوانندگانش را ملحد و کافر و ریختن خون نویسندگانش را حلال دانستند. ابوالحسن حسینی یکی از مرتجعین به نام آن دوره، طی فتوایی نوشت: "من چندین نمره از این روزنامه را گرفتم و رؤیت نمودم. عمده مطالب آن توهین به شریعت و علماست، به این جهت از آنجا که نویسندگان آن کافر و مرتد هستند، خونشان حلال است." مجلس مشروطه تحت فشار مرتجعینی از قماش بهیپانی و طباطبایی و... تکفیرنامه را تایید و حکم توقیف نشریه را صادر کرد. بعد از اعلام حکم، مردم تبریز، برای نخستین بار در تاریخ مطبوعات ایران، جهت اعتراض به توقیف یک نشریه و به هواداری از آن قیام کردند

خود را در آن به چاپ می‌رساندند، طی تلگرافی به مجلس مشروطه نوشت: "اولین اساس ترقی و انتباه هر ملت جراید است. جریده "ملا نصرالدین" که مرآت قبیح مستبدان و اسباب ترقی ملت است، نمی‌دانیم به چه ملاحظه... توقیف شده... این فقره موجب یاس و هیجان ملت گشته و شکایات مفصله به انجمن می‌کنند. استدعا داریم مقرر فرمایید پست خانه تبریز مانع نگشته موجب اطمینان ملت و اسکات هیجان ایشان گردد."

فکر انتشار "ملا نصرالدین" با آغاز انقلاب ایران بوجود آمد. هدف جلیل محمد قلی‌زاده و سایر همکاران او، چون علی‌اکبر صابر، علی‌نظمی، محمد سعید اردوبادی، لقمان‌زاده و... در وهله اول انتشار چنان نشریه‌ای بود که بتواند به میان توده‌های بی‌سواد و عامی راه یابد و یازبانی ساده و عامه فهم، حجاب ضخیم جهل و موهوم پرستی را ببرد و با افشای نقش مبلغین خرافه در عقب ماندگی جامعه، ریشه‌ها را بکوبد. اشعار طنزآمیز و تازیانه‌وار صابر امروز نیز بعد از گذشت هشتاد سال از ذهن مردم آذربایجان فراموش نگشته است. اشعاری از این دست که:

"و ما نکند ندای این عصر اثر،
از خواب نخبیزیم ز توب و ز تشر،



کاریکاتوری از نشریه ملا نصرالدین

گر اجنبی‌باشند پهلپاره سوار،
ما از اتول و موئول نداریم خبر،
گر اهل زمین برند همچون مرغان،
ما هم زمینگیر ز اهل منبر."

"ملا نصرالدین" خود را صرفاً به مسائل سیاسی - اجتماعی آذربایجان محدود نمی‌کرد، این نشریه در واقع نقش ملا نصرالدین افسانه‌ای و حقیقت پرست را بازی می‌کرد که آشنای دردهای مردم خاور زمین بود،

و با دولت و ارتجاع مذهبی در افتادند. مردم و پیشه‌وران به پست خانه تبریز یورش آورده و تمام نسخه‌های توقیف شده "ملا نصرالدین" را از ماموران گرفتند و در بین خود توزیع کردند. توقیف "ملا نصرالدین"، فداییان آذربایجان را سخت برآشت. انجمن تبریز که "ملا نصرالدین" را همچون ارگان خود می‌پنداشت و اعضای آن، خصوصاً سوسیال - دمکرات‌ها، مقالات

هیچ شماره‌ای از "ملا نصرالدین" نیست که زندگی و مبارزات خلق‌های کشورهای خاور در آن بازتاب نیافته باشد. این نشریه در کنار انعکاس تحولات سیاسی روسیه، و نهضت‌های ملی خلق‌های قفقاز، بطور پیکر به جنبش ملی ترکیه، به مبارزات استقلال طلبانه مردم هند و کشورهای عربی می‌پرداخت.

نقش "ملا نصرالدین" در

رواج مطبوعات طنز در ایران

بین سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱، با الهام از مکتب "ملا نصرالدین"، در شهرهای آذربایجان روزنامه‌ها و نشریات بسیاری از جمله "آذربایجان" (تبریز)، "انجمن" (تبریز)، "فریاد" (ارومیه)، "ناله ملت" (تبریز)، "مجاهد" (تبریز)، "شورای ایران" (تبریز)، "صراط المستقیم" (تبریز)، "مسوات" (تبریز)، "استقلال" (تبریز)، "پوقلمون" (تبریز)، "محاکمات" (تبریز)، "اتفاق" (تبریز)، "سعادت" (تبریز)، "نجات" (خری) و... انتشار یافت. مطبوعاتی که از آن یاد شد، دقت ویژه‌ای به حوادث تاریخی مراحل مختلف نهضت ملی داشتند. از خصوصیات خود ویژه این مطبوعات، آموزش از شیوه‌ها و اصول مطبوعات دمکراتیک باکو و خصوصاً مطبوعات هلنریداز آنجا بود. معروف‌ترین آن‌ها روزنامه فکاهی "آذربایجان" بود که نخستین شماره آن در ۶ دسامبر ۱۹۰۶ در شهر تبریز انتشار یافت. سردبیر این روزنامه، علیقلی صفروف، روزنامه نگار مستعد و نویسنده قابل‌ی بود که قبل از انتشار "آذربایجان" ناشر سه نشریه دمکراتیک "سینامه" (۱۸۹۲)، "احتیاج" (۱۸۹۸) و "اقبال" (۱۸۹۸) بود. به اعتقاد صاحب نظران ادبیات مشروطه، روزنامه "آذربایجان"، "ملا نصرالدین" تبریز بود. علیقلی صفروف در این روزنامه با امضاء "حاجی بابا" شعر، مقالات انتقادی، طنز و... می‌نوشت. "آذربایجان" هم به زبان آذری و هم به فارسی چاپ می‌شد و ترجمه اشعار صابر بیشتر در این روزنامه می‌آمد. در خاطرات انقلابیون دوران مشروطه آمده است که، ستارخان، سردار ملی، زمانیکه نخستین شماره "آذربایجان" را دید از شادی اشک در چشمانش حلقه زد. سید احمد کسروی، در خصوص تاثیر نیرومند مکتب "ملا نصرالدین" و نقش آن در حیات اجتماعی ایران می‌نویسد:

اخراج دسته جمعی کارگران، دستاویز قانونی می‌یابد

صورت می‌گیرد. تکلیف "دادگاههای صالحه" نیز که خود از پیش روشن است. احکام صادره این "دادگاههای صالحه" دیگر نه این یا آن کارگر، بلکه خیل عظیمی از کارگران را از کارخانه‌ها، خواهد راند. در این قانون کار، کارگران کت بسته تحویل "دادگاههای صالحه" داده می‌شوند. این قانون ابتدا آنان را از حق تشکل و حق اعتصاب محروم می‌سازد و سپس امنیت شغلی را از آنان می‌گیرد. تنها به یاد آوردن همین نکات از مجموعه ماده‌ها و تبصره‌های ضد کارگری این قانون می‌تواند توجیه‌گر آن باشد که چرا در شرایط کنونی، رژیم دویاره به یاد تصویب قانون کار افتاده است.

دوشویه برخورد با حق کار

پاره‌ای از دیگر کشورهای سرمایه‌داری اعمال می‌گردد. مشکل بتوان گفت چه تعدادی قربانی این شکار سیاسی شده‌اند. چرا که ارقام رسمی موجود نیست. اگر چه، به عقیده آگاهان امر از هر شش شاغل دولتی یک نفر می‌باید امتحانات وفاداری را بگذرانند. این گونه اقدامات در مورد کارگران و کارمندان بخش خصوصی نیز اعمال می‌گردد. در سال ۱۹۸۵ در سوئد، بیش از هفتاد هزار تن از کارکنان و متقاضیان مشاغل دولتی به استناد گزارش پلیس از کار برکنار و یاب‌کار گردانده شدند. هر چند تقریباً در همه جا اقدامات تبعیض‌گرانه در بخش خصوصی ظاهراً ممنوع است، اما کارفرمایان وسیعاً از آن بهره می‌جویند. شیوه اصلی در اینجا، طی سال‌های متمادی، استفاده از شیوه رسوای "لیست سیاه" بوده است. استفاده از کار اجباری در کشورهای صنعتی غرب، و در وهله اول ایالات متحده، در زمان ما، حقیقت تکان‌دهنده‌ای است. در سال ۱۹۷۹، ۱۱۸ سال پس از الغای بردگی، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، رسماً پذیرفت که وضع میلیون‌ها تن از کارگران کشاورزی مهاجر در کشور چندان دور از بردگی نیست. در تعدادی از کشورهای اروپای غربی شیوه "بردگی داوطلبانه" گسترش یافته است که سیستمی مبنی بر بکارگیری مهاجرین غیرقانونی برای کار کردن در غیر انسانی‌ترین شرایط است.

بقیه از صفحه اول در کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس بایگانی شده بود، در اساس همان، قانون کار دست‌نویس سرحدی زاده در سال ۶۲ است. پیش‌نویس قبلی‌تر، از آن توکل‌ی بود که به همت مبارزه پیگیر کارگران ایران به خاک سپرده شد، اما سرحدی زاده کوشید خطوط اساسی آن را در قانون کار خود حفظ کند و بدان حیات دوباره‌ای بخشد. در قانون کار سرحدی زاده، ریشه‌های ماده ۲۲ قانون کار شاهنشاهی پابرجاست کسارگران همچنان، بدون آنکه بتوانند از سوی تشکلهای مستقل خود مورد حمایت قرار گیرند، اخراج می‌شوند. اخراج، در اینجا با حکم "دادگاههای صالحه"

بقیه از صفحه ۱۴ کارکنان اداری نصف درصد سفیدپوستان است. در کشورهای اروپای غربی، کارگران مهاجر نیز وضع مشابه‌ای دارند. در جمهوری فدرال آلمان، کارگران خارجی در اوایل دهه هشتاد، ۵۲ درصد کارگران غیر ماهر و حدود ۲۰ درصد کارگران نیمه ماهر و فقط ۶ درصد کارگران دارای مهارت بالا را تشکیل می‌دادند. یکبار دیگر باید بر این نکته تاکید نمود که عدم وجود یک پیمان عمومی، حل مساله بیکاری به نفع زحمتکشان را به طور جدی پیچیده می‌کند. در عین حال موضوع رعایت کنترل اسناد موجود (I.L.O) به تدریج مبرم‌تر می‌شوند. چنین کنترلی در وهله اول می‌باید تبعیض به دلایل سیاسی را مورد نظر قرار دهد. برکسی پوشیده نیست که در بعضی کشورها، تبعیض از نیروی قانون بهره‌مند است. برای نمونه در برخی از ایالات جمهوری فدرال آلمان، در سال ۱۹۷۲، در مورد افراد مترقی احکامی صادر گردیدند که به نحو شرم‌آوری ممنوعیت‌های شغلی در پی داشته‌اند. تبعیض به خاطر عقاید سیاسی واقعا به روش پایه در سراسر این کشور بدل گشته است. بیش از نیم میلیون نفر مقید به گذراندن "آزمایش‌های وفاداری" شده‌اند و در فاصله ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ حدود شش هزار نفر بر پایه این احکام، از کار برکنار شده‌اند. تبعیض مشابه‌ای در رابطه با کارکنان موسسات و سازمان‌های دولتی در ایالات متحده، بریتانیا، سوئد و

وجود صابر در این نشریه می‌دانست. وی درباره صابر می‌نویسد، "صابر همچون شععی بود که دیگران چون پروانه بر گرد او جمع شده بودند... صابر طفل یکشبه‌ای بود که دوره صد ساله را پیمود و از افکار و از نویسندگان عصر خود قرن‌ها پیش افتاد." (لغتنامه دهخدا) دهخدا در جای دیگر به تاثیر مکتب "ملانصرالدین" نه تنها در ایران، که در مقیاس بین‌المللی اشاره کرده و می‌نویسد، "صابر استعداد خود را برای اصلاح عیوب جامعه، و ارتقای فرهنگ انسان‌ها به کار گرفت. او شاعری برجسته، مبلغ آزادی و رسواگر ارتجاع بود که نه تنها آذری زبان‌ها، بلکه سایر ملل نیز برای خواندن "ملانصرالدین" شور و شوق نشان می‌دادند.

آثار صابر در ادبیات فارسی تاثیر نیرومندی گذاشت. نشریات "پیمان" و "امید" که در تهران انتشار می‌یافت، از مکتب وی پیروی می‌کردند. نشریه معروف طنز "بابا شمل" ملهم از مکتب صابر بود. در معروف‌ترین روزنامه‌های تهران نیز، همچون "دماوند" و "شعله‌ور" آثار صابر ترجمه و چاپ می‌شد. نشریات و آثار وی که با الهام از سبک و مضامین مکتب ادبی "ملانصرالدین" در دوران مشروطیت انتشار می‌یافت، نقش شایان توجهی در روشنگری مردم ایران ایفا می‌کردند و توان مبارزه مردم را بر علیه استبداد و استعمار ارتقا می‌بخشیدند. امروز هم، بعد از گذشت هشتاد سال از انتشار نخستین شماره "ملانصرالدین"، مکتب ادبی این نشریه برای روزنامه‌نگاران و نویسندگان مترقی ما، بویژه برای طنز نویسندگان کشورمان، بسیار آموزنده است.

* شیخ فضل‌الله‌نوری، روحانی مرتجع و دشمن قسم‌خورده مشروطه خواهان بود. او پس از استقرار مجدد مشروطیت به سزای اعمال خود رسید و در سال ۱۹۰۹ در تهران یوسیله مردم بدار آویخته شد.

** میرهاشم، روحانی مرتجعی که در صدر مشروطیت یا آزادی‌خواهان تبریز همراهی نشان می‌داد و سپس با همدستی با مستبدین، یکی از دشمنان مشروطه و آزادی گردید. او در محله دوه‌چی تبریز ریاست "انجمن اسلامیه" را که از طرف مرتجعین تشکیل یافته بود، به عهده داشت و بالاخره پس از فتح تهران بدست مشروطه خواهان در سال ۱۹۰۹ بدار آویخته شد.

"یکی از نشریات برجسته و چشمگیر که در تبریز انتشار می‌یافت، روزنامه "آذربایجان" بود. این روزنامه همچون "ملانصرالدین" به زبان طنز انتشار می‌یافت. مقالات طنز و کاریکاتور، در این روزنامه جایگاه وسیع و قابل توجهی داشت. می‌توان گفت که روزنامه "آذربایجان" بعد از "ملانصرالدین" یکی از نشریات با ارزش طنز، این زمان بود."

به غیر از آذربایجان، در شهرهای مرکزی ایران نیز، نشریات دمکراتیک و مترقی زیادی انتشار می‌یافت، که معروفترین آن‌ها، "صوراسرافیل" در تهران و "نسیم شمال" و "آموزگار" در رشت بود. این نشریات عمیقاً تحت تاثیر مکتب "ملانصرالدین" بودند. سید اشرف کیلانی (۱۹۲۴ - ۱۸۷۱) نویسنده "نسیم شمال"، "ملانصرالدین" را برچمدار خود می‌نامید و در توصیف آن چنین می‌سود:

در نکته لغز از تو چون شمع و چراغی
در خله تغلیب تو چون پهلبل باغی
اما به هر کفنه پرستان چو کلاهی
از بسکه زدی بر همه منقار، آملای

"نسیم شمال" از جمله نشریات آن دوره است که در ترجمه و اقتباس آثار صابر و مشابه‌سازی برای آن‌ها به زبان فارسی نقش بسیار چشمگیری داشته است. "نسیم شمال" با پیروی از مکتب "ملانصرالدین"، در مقام یک روزنامه‌نگار، توانست خدمات شایانی به ادبیات دوران مشروطیت بکند. مطالب طنز این روزنامه، قلب استبداد قاجار را نشانه می‌گرفت. غیر از س. ا. کیلانی، شاعران ایرانی بسیاری نیز، چون دهخدا، لاهوتی، کمال، نیما یوشیج و... از سبک صابر تاثیر می‌گرفتند.

مکتب "ملانصرالدین"، در دوران انقلاب مشروطیت در ترویج ادبیات طنز با سبک و محتوایی نو، نقش بی‌همتایی ایفا کرد. روزنامه "صوراسرافیل" که در تهران به مدیریت میرزا جهانگیرخان شیرازی انتشار می‌یافت، از مکتب "ملانصرالدین" پیروی می‌کرد. بین "ملانصرالدین" و "صوراسرافیل" پیوند فکری محکمی وجود داشت. مقالات انتقادی - سیاسی محمد قلی‌زاده و دهخدا از لحاظ سبک و اندیشه بهم نزدیکند. دهخدا، صابرا را بانی ادبیات نوین شرق می‌نامید و یکی از علل شهرت "ملانصرالدین" را در ایران و سایر کشورهای خاور به لحاظ

بر اساس لایحه مصوب مجلس

سازمان نظام پزشکی اسلامی، جایگزین سازمان صنفی مستقل پزشکان شد

بقیه از صفحه اول

انتظامی رژیم لیستی از پزشکان شرکت کننده در اعتصاب تهیه کرده اند، تا آنها را تحت پیگرد قرار دهند. با سازمانی این ارکان ها، ایادی رژیم در تهران و برخی از شهرستان ها در روزهای دوشنبه و سه شنبه به برخی از مطب ها و درمانگاه ها یورش آوردند، به ساختمان آن ها خساراتی وارد ساختند و عده ای از پزشکان را مورد آزار و اذیت قرار دادند.

در هفته گذشته تقریباً همه مسئولین حکومتی طی سخنرانی ها و مصاحبه هایی به سازمان مستقل نظام پزشکی و پزشکان اعتصاب کننده، حمله کردند. رفسنجانی بخشی از خطبه نماز جمعه ۲۷ تیر خود را به یرخاش علیه پزشکان اختصاص داد. رفسنجانی، شاهی که عمامه بر سر نهاده است، آن سخن مشهور شاهانه را تکرار کرد که مخالفین باید از کشور بروند. رفسنجانی در حالی که کشور به شدت از کمبود پزشک در رنج است و بسیاری از پزشکان که به خارج مهاجرت کرده اند به پزشکانی که در داخل مانده اند گفت: اگر مخالفید باید از ایران بروید! رفسنجانی در این سخنرانی اعتراف کرد، جمهوری اسلامی از آن رو با سازمان نظام پزشکی مستقل مخالف است که تاب تحمل هیچ سازمان صنفی مستقلی را ندارد.

سازمان نظام پزشکی اسلامی

بر طبق لایحه ای که در روز ۲۵ تیر به تصویب مجلس رسید، سازمان نظام پزشکی اسلامی، جایگزین سازمان صنفی مستقل پزشکان شد. مدیریت این سازمان جدید، اساساً به صورت انتصابی است. در ترکیب ۱۵ نفره هیات مدیره سازمان نظام پزشکی حکومتی صراحتاً ۹ نفر منتصب رژیم هستند. این ۹ نفر بر طبق ماده ۹ لایحه مصوب مجلس، عبارتند از: ۲ نفر پزشک به نمایندگی از سوی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۴ نفر پزشک از اعضای هیات علمی دانشگاه های علوم پزشکی (منتصب وزارت علوم)، رییس بهداری ستاد مشترک ارتش، رییس بهداری کل سپاه پاسداران و بالاخره مدیر کل

* طبق لایحه جدید، مدیریت سازمان نظام پزشکی به صورت

انتصابی درآمد

* رفسنجانی گفت: پزشکان مخالف کشور را ترک کنند

خدمت تداوم جنگ بگذارد.

اعتراض پزشکان ادامه دارد

اعتصاب روز دوشنبه ۲۲ تیر، اعتصاب موفقی بود، اعتصابی بود که وسیعاً در داخل و خارج کشور بازتاب

پزشک قانونی کشور. حضور رییس بهداری ستاد مشترک و رییس بهداری کل سپاه پاسداران علت اصلی در افتادن رژیم با سازمان نظام پزشکی را در این مقطع، بر ملا می سازد. رژیم می خواهد تمام امکانات درمان و بهداشت کشور را در قبضه خود داشته باشد، تا بتواند هر آن چیزی را که در این عرصه باقی مانده است، در

عوام فریبی حد و مرز نمی شناسد

پزشکان که اعتصاب کردند، ماشین تبلیغاتی رژیم باشند علیه آنان به کار افتاد. عوام فریبی های رژیم هم که می دانید، حد و مرز نمی شناسد. رژیم مدعی گردید دعواء "مستضعفین" و "مستکبرین" است. عده ای هستند که می خواهند مردم را بچاپند و از این رو غائله برپا کرده اند و اینان به عواداری از "مستضعفین" کمر به سرکوب آنان بسته اند. طبق معمول گفته شد که سرخ ها در خارج است، و گرنه در داخل که کسی ناراضی نیست انگفتند و گفتند و نوشتند و نوشتند. اطلاعیه دادند، طومار فراهم کردند و امضا جمع کردند. آخر سر هم گفتند، هر پزشکی که ناراضی است، برود! به جای شان با پزشک وارد می کنیم و با در حوزه علمیه پزشک تربیت می کنیم.

اما موضوع این نبود. نامردمان از خیل یکدیگر کردند، چه با فکل و چه با عمامه. آن هایی که مطبشان را تجارتخانه کرده اند، مثل بقیه تجارتخانه دارها پشیمان به نظام غارتگری کرم است که جمهوری اسلامی با چماق و زندان، از آن پاسداری می کند. مسئول همه ناپسامانی ها و همه کمبودها در زمینه بهداشت و درمان، مثل دیگر عرصه ها، مستقیماً خود رژیم است. مادری که در یک روستای دور افتاده سر زاز دست می رود، بیماری که به دلیل نبود پزشک در منطقه قلبش از کار باز می ماند، دردمندی که ناچار است به دلیل بی پولی با درد خود بسازد ناچار بسازد، گلوئی خشکی که از بی دارویی بهم می آید، همه و همه سند محکومیت جمهوری اسلامی هستند. کشنده آن ها، برخاک سرد نشاندن آن ها مستقیماً جمهوری اسلامی است.

مسئولین حکومتی با حمله به سازمان صنفی مستقل پزشکان به زعم خود خواستند به دو هدف دست یابند. خواستند یک شکل صنفی مستقل را از پیش پا بردارند تا برای تامین امکانات بیشتر برای تداوم جنگ دستشان باز باشد و نیز خواستند گناه همه کمبودها را در زمینه بهداشت و درمان بر دوش پزشکان بپوشانند. این گونه عوام فریبی ها دیگر کار ساز نیست. تجربه مشخص مردم کاربرد برنده ای است که همه پرده های دروغ و تزویر را از هم می درود و نقاب از چهره عوام فریبیان حرفه ای برمی گیرد.

در اعتصاب پزشکان، مساله محوری حفظ یک شکل صنفی مستقل بود. امروز در میهن ما دفاع از هر گونه حقی، چه صنفی، چه سیاسی، چه در یک عرصه کوچک و چه در یک عرصه گسترده اجتماعی، با مانع رژیم مواجه می گردد. رژیم برای آنکه با تمام نیرو یورش آورد و حقی را پایمال سازد، به کوچکترین خواسته صنفی رتک سیاسی می ژند. در یک دوره، این برای رژیم تاکتیک موفقی بود. اما در از مدت ها؟

این به نفع توده مردم است. رژیم آشکارا خود را مانعی نشان می دهد که بدون از میان برداشتن آن مردم به حقوق خود دست نخواهند یافت.

یافت. رژیم نیز ناچار به انعکاس آن گشت. در شرایط کنونی میزان انعکاس یافتن یک اقدام اعتراضی بیش از خواسته های مشخصی که بدان ها دست می یابد، شاخص میزان موفقیت آن است. در روز اعتصاب، در میان مردم نسبت به پزشکان جو تفاهم وجود داشت. مردم اگر چه به مطب پزشکان تجارت بیخه ای که برایشان اصل، نه نجات جان بیمار، بلکه پولی است که از بیمار درمی آورند با همان دیدی می نگردند که به تجارتخانه یک سرمایه دار بزرگ بازاری، اما این مساله که رژیم می خواهد با ضمیمه کردن همه نهادهای پزشکی به خود، تمام امکانات ناچیز بهداشتی و درمانی کشور را در خدمت جنگ قرار دهد، فقرشان نسبت به رژیم را تشدید ساخته بود. نفس اعتصاب، نفس مقاومت در برابر رژیم، انسان برای مردم جذاب است، که اختلال موقت در امر حساسی که به همه مربوط می شود نیز، برای آنان قابل درک و قبول است. بحث حول این مساله هم چنان جاری است. این روزها هر بیماری که به نزد پزشکی می رود، گاه با طیبیب در درجه اول به گفتگو در زمینه اعتصاب هفتگی کلانته و خواسته های پزشکان می پردازد. افشاکاری های پزشکان مردمی، در ترکیب با تجربیات مشخص هر روزی که خود مردم دارند، به بحث ها و نظرها در این زمینه جهت دستی می دهد. پشتیبانی مردم، پزشکان را خشنود می سازد. اکنون در مطب ها و درمانگاه های بسیاری رابطه صمیمی تر و نزدیک تری بین پزشکان و مراجعین برقرار شده است. مبارزه پزشکان برای حفظ استقلال خود در برابر رژیم، ادامه دارد. افشاکاری های آنان در بین ده ها و گاه صدها بیماری که هر روز به آنان مراجعه می کنند، در زمینه این که رژیم می خواهد همه امکانات ناچیز درمانی را از مردم گرفته و ضمیمه جیبه ها سازد، جز مهمی از تداوم این مبارزه است. پزشکان مقاومت خود را در برابر رژیم، با یک اعتصاب یک روزه تمام یافته تلقی نمی کنند. پشتیبانی مردم از پزشکان، آنان را برای تداوم بخشیدن به مقاومت خود در شکل ها و شیوه های مختلف، امیدوار ساخته است.

تصویرهایی تکان دهنده و درد انگیز از وضعیت بهداشت و درمان در کشور

مرگ راه همواری در پیش رو دارد

در ایران مرگ بر گلوی زندگی پنجه می‌فشد. مرگ آوران بر تخت نشسته‌اند و زوبین بر قلب زندگی می‌افکنند. زندگی در جبهه‌ها به خون درغلنیده می‌شود، در میدان‌های اعدام نیربازان می‌شود، و در هیئتی "لیبیعی" نفس را در سینه‌ها می‌برد. این وجه از ستیز با زندگی، ظاهراً "لیبیعی" است، عمری است که به پایان رسیده است. اما مرگ در ایران ما، برای پایان دادن به زندگی، چه راه همواری در پیش رو دارد! هیچ دست نجات‌بخشی به یاری زندگی بر نمی‌خیزد. هیچ شربت جان‌بخشی گلوی خشک بیماران را تر نمی‌کند. آنچه که بود، در خدمت جبهه قرار گرفته است؛ زندگی‌بخشان را واداشته‌اند تا در خدمت مرگ باشند. و در این سو فر است که شربت جان‌بخش را از کام خشک بیماران دور می‌سازد. چه بسیارند روستاها و شهرهایی که فاقد کمترین امکانات پزشکی و درمانی هستند. برای بهره‌مندی از آنچه که هست باید کتبی‌ای برداشت. دست خالی را فقا دست مرگ می‌فشد.

در زیر عینیتانی جامه کلمات را بوتیده‌اند که هر یک از دیگری تکان دهنده و دردناک‌ترند. در زیر از نثریات رژیم و گزارش‌های، مستقلاً نشریه "اکثریت" تکه‌هایی برگزیده‌ایم تا گوشه‌هایی از وضعیت بهداشت و درمان در ایران، در کشوری که بر آن مرگ آوران حکومت می‌رانند را تصویر کرده باشیم:

* وضعیت بیمارستان "شهید مطهری" - اطلاعات ۷ فروردین ۱۳۶۲:

زایشگاه بیمارستان "مشکلات در این قسمت زیاد است، هم از نظر کمبود وسایل و هم از نظر پرسنل. مانند دیگر قسمت‌ها سوسک در بخش نوزادان زیاد است. ما بخش را تخلیه کردیم تا به وسیله مواد ضد عفونی کننده سوسک را از بین ببریم و سه یا چهار روز این کار ادامه داشت ولی بعد از آن سوسک‌ها را حتی در تخت کودکان و در قوطی شیر نوزادان دیدیم. تخت اتاق درد در این زایشگاه کم است و ما تا پنج نفر را می‌توانیم در روی این تخت‌ها جای دهیم، بقیه مجبورند که در راهرو قدم بزنند!"

بخش اورژانس - "یکی از مشکلات ما این است که اورژانس ما بدون تخت است، یعنی اورژانس فقط شامل یک اتاق بزرگ می‌شود و یک اتاق عمل که تخت ندارد! ... یک زانو را برای عمل سزارین فرستادیم گرگان، قبول نکردند و فرستادند ساری و بعد هم انتقال دادند به آمل. حتی صاحب بیمارستان نیز نمی‌دانست بیمارش کجاست!"

* بخشی از نامه یک پدر داغدار

به روزنامه کیهان ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۴:
"پسر میجده ساله‌ام، جندی پیش (در تاریخ ۶۲/۱۲/۲۷) در اثر حادثه‌ای در خیابان گاندی از ناحیه مغز مجروح شد. اهالی محل او را بلافاصله به بیمارستان پاستور نو رساندند و در آن حال از مسئولین بیمارستان عاجزانه تقاضا کردند که برای نجات جان وی دست به کار شوند. ... مسئولین بیمارستان گفتند تا پول لازم را که مبلغ بسیار زیادی هم بود به صندوق بیمارستان واریز

نکنید، دست به کاری نخواهیم زد. بالاخره پس از سه ساعت معطلی و خیر شدن ما، در حالی که خون زیادی از بدن فرزندم رفته بود، به علت آماده نبودن پول و وسیله نقلیه، پیکر نیمه جان پسر را به بیمارستان تهدای تخریش رساندیم. ولی متأسفانه تلاش بی‌نتیجه‌ای مقرر واقع نشد. ..."

* کیهان ۲ - خرداد ۱۳۶۴:

صبح امروز قبل از این که وزارت بهداشت کار روزانه خود را شروع کند، شاهد کودک بیماری بود که روی برانکاره همراه پدر و مادرش منظر بودند ما مسئولی به حرف آن‌ها گوش بدهد و ترنیمی برای بستری شدن بیمار بدهند. چرا که پدر و مادر به همراه بیمارشان به بیمارستان‌های مختلف شهر مراجعه کردند اما بیمارستان‌ها حاضر به پذیرش بیمار نشده بودند. ...

تنها این کودک نیست که پشت در بسنه بیمارستان‌ها بلان تکلیف باقی مانده است. بلکه بسیاری از خیل این مردم محروم که نمی‌توانند برای بستری شدن در بیمارستان خصوصی مبلغ کزافی بپردازند و به بیمارستان‌های دولتی پناه می‌آورند، چنین گرفتار خودمختاری‌های بیمارستان‌ها می‌گردند. آقای وزیر بهداشتی، اگر این کودک فرزند شما بود، این چنین او را از بیمارستان می‌رانندند؟"

* سرپرست هلال احمر جمهوری اسلامی در کیهان ۲۱ اردیبهشت ۶۲:
"مساله اصلی در شرایط فعلی جنگ است و تا جنگ به نفع جمهوری اسلامی حل نشود، مسائل دیگر تحت الشعاع خواهد بود و تمامی ملت و به خصوص ارکان‌هایی که در رابطه با درمان و امداد هستند، باید به جنگ اولویت بدهند."

* وزیر سابق بهداشتی در کیهان ۲۲ مرداد ۱۳۶۲:

"امروز در یک حمله ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مجروح جنگی داریم که باید سرویس بدهیم. این سرویس‌ها را همین بیژن‌تکان و پرسنل یاد ویرا بر کار انجام می‌دهند بعضی از مجروحین داریم که ۱۵ تا ۲۰ بار باید عمل کنیم."

نشریه "اکثریت" - شماره ۷۶ - ۸ مهر ۱۳۶۴: برق بیمارستان جرجانی را قطع کردند

برق بیمارستان جرجانی که وابسته به دانشگاه بهشتی (ملی) می‌باشد، به علت عدم پرداخت به

ارقایمی فاجعه‌بار

* مرندی وزیر بهداشتی:
"نیمی از بیژن‌تکان در تهران هستند که ۷ میلیون جمعیت دارد و برای ۲۵ میلیون نفر در نقاط دیگر، یک پزشک برای هر ۷۵۰۰ نفر داریم."
(رادیوی ج. ا. - ۴ اردیبهشت ۱۳۶۴)

* رئیس دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران:
"در بعضی از شهرهای یک صد هزار نفری یک دندانپزشک وجود ندارد."
(اطلاعات - ۲۴ بهمن ۶۲)

* نجفی وزیر سابق فرهنگ و آموزش عالی:
"از استان‌های بین المللی ۲/۵ برابر پزشک کمتر داریم."
(اطلاعات - اول اردیبهشت ۶۲)

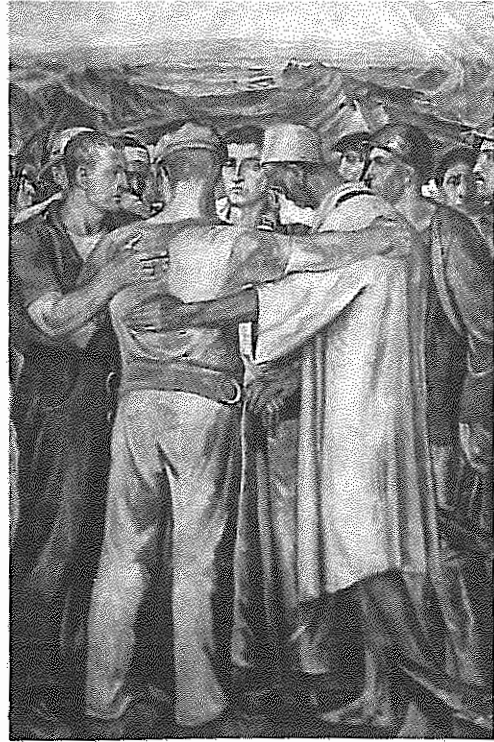
* اطلاعات ۲ آذر ۱۳۶۲:
"اکنون در کل کشور تنها ۱۱ نفر جراح مغز و اعصاب وجود دارد."
اطلاعات ۱۲ اردیبهشت ۶۲:
"در برخی استان‌های کشور مثل سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، باختران، بویراحمد و کهگیلویه هر ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر یک پزشک دارند."
اطلاعات ۸ مهر ۱۳۶۲:
"در استان کهگیلویه و بویراحمد برای ۱۲۸۶۵۰ نفر تنها یک نفر دندانپزشک وجود دارد."
کیهان ۲۵ آذر ۱۳۶۲:
"۳۵ درمانگاه در کرمان از داشتن پزشک محروم است."
مرندی وزیر بهداشتی:
"بر اساس آمار که اخیراً تهیه شده، حدود ۱۲ هزار نفر پزشک در ایران داریم. این در شرایطی است که در برخی از کشورهای دنیا برای هر ۲۵۰ نفر یک پزشک وجود دارد."
(کیهان ۱۸ مهر ۱۳۶۲)

* یکی از مسئولین وزارت بهداشتی:
"حدود ۱۶ هزار پزشک در آمریکا و بیش از ۵ هزار پزشک در اروپا داریم."
معاون وزارت بهداشتی:
"از شروع جنگ تاکنون (سال ۶۲) بیش از ۱۲ هزار بار پزشک و ۱۲ هزار بار بیمار پزشک به جبهه‌ها اعزام شده‌اند."
(اطلاعات ۸ آذر ۱۳۶۲)

از جلوه‌های مشارکت "مردم" در امور

خمینی اخیراً نطقی کرد و گفت مردم باید در امور مشارکت داشته باشند. هم حال و هوای صحبتهای او و هم تفسیرهایی که پیرامون این نطق نوشته شد، نشان می‌دهد که منظور از مردمی که باید در امور مشارکت داشته باشند، بزرگ سرمایه‌داران بازارند. به تازگی موحدی کرمانی نماینده خمینی در شهربانی و رئیس عقیدتی - سیاسی این ارگان ضمن اعتراف به این که در شهربانی برای اقرار گرفتن از دستگیر شدگان آنها را شکنجه اسلامی (تعزیر) می‌کنند، به پیروی از فرمایشات امامش خواسته است "مردم" را در امور انتظامی مشارکت دهد و تقاضا کرده است که "مردم اگر طرحی برای به حرف در آوردن

مجرمین واقعی دارند، ارائه کنند." (اطلاعات ۹ - تیر)
همانگونه در سخنان خمینی منظور از "مردم" مردم نبود، در سخنان این نماینده او نیز منظور از مردم، صاحبان صلاحیت و نظر در امر مذکور است. اما مسأله اینجاست که همه صاحب نظران و متخصصین در امور شکنجه مدتهاست جذب ارگانهای انتظامی جمهوری اسلامی شده‌اند. ساواکی ها و جانی‌هایی نیز که این ور و آن ور پراکنده‌اند در برابر شکنجه گران مکتبی لنگ می‌اندازند و شاگرد آنها نیز محسوب نمی‌شوند. انگار به راستی ارگانهای انتظامی نیز به دلیل مشغله و تولید زیاد دچار کمبود متخصص فنی شده‌اند.



تابلوی
"اتحاد"
اثر:
یوری
دزانتیف

شعر معاصر ایران

از خاک و خشم و اندوهم

اسماعیل خوبی

جنگ عظیم اشداد
- می گویند و نیک می‌دانم -
نابود می‌کند تمامی ویرانی‌ها را
در پایان کار؟
و آباد می‌شود هر آنچه خراب است.
جنگ عظیم اشداد
- می‌دانم -
آب‌سار آتش و آب است.
بی‌شک،
جنگ عظیم اشداد
این خاک را به باد نخواهد داد.
و نیک می‌دانم، می‌دانم، کاین ویران،
گیرم پس از یکی شدن دیر و زود،
آباد خواهد شد، آباد.
و نیک می‌دانم، می‌دانم، بهشت نیست؟
ور هست،
ما را به هیچ روی فراتر
از سرنوشت نیست.
و نیک می‌دانم، می‌دانم،
در خاک من هنوز خدا هست؛
زیرا
در خاک من هنوز گدا هست.
و نیک می‌دانم حقایق بسیاری را
از این دست.

و خوب می‌توانم روزی را در نظر آورم
که هر چه هست واژگون شده باشد؛
وان بر تو گرامی،
در دور دست،
این کاروان دریدری را
به سایه سار موعود رهنمون شده باشد؛

گیرم پس از سبیده دمی
کافاقش
بکچند غرق خون شده باشد.
و خوب می‌توانم آن روز را،
چندان نه دورتر از نزدیک،
در نظر آورم.

تا دیرتر نیاید از زود
آن روز،
چندان نه سخت‌تر از آسان، می‌توانم
در پای او، به گونه شب، چون شبم، جان سپارم:
آخر
من خاک خویش را دوست می‌دارم.

خشم من، اما، از دانستن دانانتر است،
پنداری؟
و اندوهم از توانستن،
باری، توانانتر.

از چیست ورنه، ورنه چگونه‌ست، که چون می‌گویم:
من خاک خویش را دوست می‌دارم،
بیدار و منبجر، خشمم، منبجرو بیدار، درمن نمره می‌زند:
- آری،
من خاک خویش را دوست می‌دارم؛
و دوست می‌دارم
ابری شوم تمام تن از طاعون

و دانه‌های زهر سیاهم را
دم به‌دم
برهمنه سترون این خواب‌زار بیارم؛
و دوست می‌دارم
بادی شوم تمام نفس از آتش
و شعله‌های بوته‌وش آهم را
گل به گل
در رخوت کوبیری این هست نیست وار بکارم

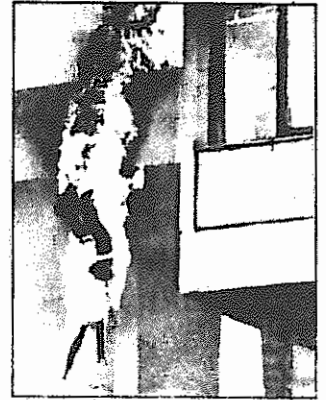
وین جمله، باری، از نفرت نیست،
از عشق است،
گفتم:

من خاک خویش را دوست می‌دارم...
خشم چنین خروشد؛
وانگاه،
آز شب عمیق‌تر، اندوهم، عمیق‌تر از شب، درمن می‌موید:
- آه،

وقتی که ببری و سرطمان بی‌درمان است،
آیا چه می‌تواند کرد
نومیدوار فرزند
جز این، همانا، کز مادر دل برگردد
و آرزو کند که بمیرد؟...

خشم من، آری، از دانستن دانانتر است،
پنداری؟
و اندوهم از توانستن،
باری، توانانتر...

خودسوزی يك دانشجو در کره جنوبي



این عکس تکان دهنده، از کره جنوبي است. "لی دونگ سو"، دانشجوی ۲۲ ساله، به پیام یکی از ساختمانهای دانشگاه شول رفت، به روی خود بنزین ریخت، لباسهای را شعله ور ساخت و درحالی که فریاد می کشید "مرگ بر امپریالیسم آمریکا!" خود را به پایین افکند.

عجب دانشگاههایی!

در جلسه روز ۲۴ تیرماه مجلس، نماینده ای پیشنهاد کرد که برای رزمندگان اسلام، شرط داشتن دیپلم برای ورود به دانشگاهها حذف شود و آنها بدون دیپلم و بدون کنکور وارد نظام آموزش عالی شوند. این پیشنهاد عملاً در دست اجراست. شرط قبولی درکنکور که خیلی وقتهاست حذف شده و ورقه دیپلم هم که خیلی سهل و آسان به رزمندگان اسلام اعطا می شود. ولی گویا پاسدارها و کمیته چپ ها از پس یک امتحان آبی هم برای گرفتن دیپلم بر نمی آیند و از همینرو قرار است بی هیچ امتحانی دیپلمه گردند. واقعا با به کار بستن بیشتر این پیشنهاد، به زودی چه دانشگاههایی خواهیم داشت!



سرگ راه همسواری

بقیه از صفحه ۹

موقع بدی به وزارت نیرو، قطع شده است. وزارت نیرو، بدون اطلاع قبلی، اقدام به قطع برق این بیمارستان نمود. رئیس دانشگاه بهشتی در این باره اظهار نظر نمود که "متأسفانه قطع برق بیمارستان موجب در خطر افتادن جان بیماران بخش رادیوتراپی شده است و کار درمان بیماران نیز مختل شده است."

* نشریه "اکثریت" - شماره ۸۲ - ۲۷ آبان ۱۳۶۴ - بخشی از یک نامه در مورد بهداشت و درمان در استان هرمزگان:

"در سراسر هرمزگان با آن همه جمعیت تنها یک بیمارستان، یک زایشگاه دولتی و یک مرکز اورژانس وجود دارد. به خاطر کثرت بیماران و کمبود امکانات در تنها بیمارستان بندرعباس، برای یک جراحی ساده، مثل عمل لوزه باید بیش از شش ماه در نوبت باشی ...

در درمانگاه اگر دارویی تجویز شود، پیدا نمی شود. باید نسخه به دست راه بیفتی در خیابان های شهر، داروخانه به داروخانه و مغازه به مغازه. بازار سیاه دارو داغ است. شربت سینه، شربت معده، پماد چشم، قطره گوش و چشم را می توان پیدا کرد، اما باید با ۲۰۰ تومان شروع کنی. در درمانگاه های دولتی ابتدایی ترین و ضروری ترین داروها پیدا نمی شود، حتی سرم ضد زهر عقرب و مار ... در شش ماهه گذشته نه در شهر و نه در روستا، داروهایی مثل آسپیرین بچه، شربت سینه، قطره گوش، آمپول هیدروکورتیزون برای فوریت های پزشکی - پیدا نمی شود. از اسفند ۶۳ تا اوردیبهشت سال ۶۴ فقط یکبار به روستاها دارو داده شده است ...

نشریه "اکثریت" - شماره ۱۰۴ - ۸ اردیبهشت ۱۳۶۵: از طرف دایره به اصطلاح مبارزه با منکرات، به همه بیمارستان های عمومی و خصوصی ابلاغیه ای مبنی بر ضرورت رعایت کامل حجاب اسلامی و استفاده اجباری از مقنعه توسط کارکنان زن، ارسال گردیده است. در مواردی نیز مأمورین این اداره به چند بیمارستان، منجمله بیمارستان های شریعتی و سینا در تهران رفته و مانع ورود پرسنل بدون مقنعه به محوطه بیمارستان شده اند.

حکایات و روایات

بنجامین فرانکلین (۱۷۹۰-۱۷۰۶)

هیمنانی ها، یکی از مقامات فرانسوی گفت: "فرانسوی ها شیفته استقلال طلبی آمریکایی ها هستند. آمریکا برای فرانسوی ها صحنه یک نمایش عظیم و با شکوه است." فرانکلین پاسخ داد: "فقط حیف که تماشاچیان بابت این نمایش پول نمی دهند."

در فرانسه، جمع کثیری از اشراف زاده ها، افسران و ماجراجویان اروپایی دور فرانکلین را گرفته بودند و برای شرکت در جنگ های استقلال طلبانه آمریکایی ها علیه انگلیس اعلام آمادگی می کردند. یکی از آن ها برای آنکه خودی نشان داده باشد، اصل و نسبش را به رخ فرانکلین کشیده و گفت که از اشراف زادگان پروس است. فرانکلین گفت: "نگران نباشید، اصل و نسب شما خدمات شمارا برای مایه ارزش نمی کند."

شماری از دوستان فرانکلین، بحث های پرشوری درباره ماروا الطبیعه داشتند. آن ها روزی از فرانکلین پرسیدند چرا در این بحث ها شرکت نمی کند و نظرش درباره زندگی پس از مرگ چیست. جواب فرانکلین چنین بود: "من پیرم و در ضمن، به چیزی فکر نمی کنم که به کارم بیاید. چرا باید مغزم را با این چیزها خسته کنم؟ بزودی خواهم دانست قضیه از چه قرار است."

می کنند. آدم ها کار می کنند. سگ ها، اسب ها و گاوها کار می کنند. فقط خوک ها کار نمی کنند و تمام روزها توی لجن ها می غلتند. پس خوک ها باید نجیب زاده باشند."

فرانکلین فخری به پاریس داشت. فرانکلین در این سفر آداب جدیدی برای کف زدن در مراسم رسمی باب کرد. ماجرا از این قرار بود که نماینده ایالات متحده، زبان فرانسوی را کم می دانست از این رو تصمیم گرفت، در مراسم، هر جا دوستش خانم بوفلور دست زد، او هم کف بزند. پس از مراسم، فرانکلین از نوه اش که فرانسوی می دانست پرسید رفتارشان هنگام کف زدن ها چگونه بوده است، و پاسخ شنید: "نمی دانم دیگران چه قضاوتی می کنند. تو مرتب کف می زدی، اما درست موقعی که از تو تمجید می کردند."

ماموریت فرانکلین در پاریس این هدف را دنبال می کرد که از فرانسه کمک مالی دریافت دارد. دولت فرانسه از این امر ظفره می رفت، و به جای آنکه به فرانکلین پول بدهد، مرتب برای او ضیافت ترتیب می داد. در یکی از این

بنجامین فرانکلین کارگر چاپ، تاجر، سیاستمدار، دیپلمات، مخترع و دانشمند آمریکایی فرزند یک صابون پز بود. او مشروب نمی نوشید، سیگار و بیب نمی کشید، گوشت نمی خورد، انجمن های اخلاقیات تشکیل می داد و مبلغ "هنر خویشتن داری" بود. فرانکلین عمیقاً از پول قرض دادن نفرت داشت، اما روزی بر اثر اصرار یکی از خویشاوندانش، پنجاه دلار به او داد. فرد مزبور که بسیار خوشحال شده بود، از فرانکلین کاغذ خواست تا به او رسید بدهد. فرانکلین برآشفته پاسخ داد: "دیگر چه؟! ام بولم را گرفته ای و هم می خواهی کاغذم را ضایع کنی!"

فرانکلین در سفری به انگلیس، فرد سیاه پوستی را که قبلاً برده بود، همراه داشت. هر چه برای همراه فرانکلین توضیح می دادند که در انگلیس "نجیب زاده" به چه معناست، نمی فهمید. فرانکلین برایش شرح داد، "نجیب زاده" کسی است که کار نمی کند و زندگی اش را به بطالت می گذراند.

مسافر فرانکلین، مدتی درباره این تعریف از "نجیب زاده" فکر کرد و بعد گفت: "در آمریکا همه کار

چگونه باید کار کرد؟

هنگام کار باید حتما استراحت کرد. هنگام انجام یک کار سخت، باید به فواصل کوتاه‌تر و در صورت امکان، در حالت نشسته استراحت نمود.

در هنگام یک کار آسان، استراحت می‌تواند با فواصل بیشتری انجام گیرد، اما باید فواصل آن یکسان باشد. حتی در آغاز روز، زمانی که نیاز چندانی هم به استراحت نیست، باید کوشید لااقل استراحت کوتاهی در کار گنجانده شود. این امر، این احساس انسان را که کار او در طول روز به پایان خواهد رسید، تقویت می‌کند.

اگر پس از گذشت نیمی از روز، تازه به استراحت بپردازیم، "دست و پال" خود را برای کار می‌بندیم. هر کس می‌تواند این آزمایش را انجام دهد.

کار سختی را آغاز می‌کنیم و دو ساعت بدون استراحت ادامه می‌دهیم. سپس استراحت می‌کنیم و بعد به کار ادامه می‌دهیم. روز بعد، آزمایش دیگری می‌کنیم و هنگام کار دو ساعته، چندین بار سه تا پنج دقیقه به استراحت می‌پردازیم. آنگاه به این نتیجه می‌رسیم که در حالت دوم، در تمام طول روز احساس بهتری داشته و حجم کار بیشتری انجام می‌دهیم. نتیجه، همواره یکسان خواهد بود. در صورت عدم رعایت اوقات لازم برای استراحت، باید آن را در پایان روز جبران کرد و استراحت نمود. آنگاه این استراحت باید بسیار آسانی باشد و از این رو، وقت زیادی از انسان می‌گیرد.

در برخی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها رسم است هنگام کار چیزی بچونند یا سیگاری بکشند. باید این عادت را کنار گذاشت. باید چنان نظمی حاکم شود که انسان‌ها با سیگار در گوش لب خود کار نکنند، بلکه آن را در استراحت بکشند. دود سیگار که هنگام کار با شدت بیشتری استنشاق می‌شود، به ریه‌ها بسیار بیش از مواقع آرامش لطمه می‌زند.

برخی معتقدند سیگار نشاط می‌آورد و کار به کمک آن بهتر جریان می‌یابد. اما در حقیقت، با سیگار کشیدن هنگام کار، تنها به روحیه لطمه می‌خورد.

فرد با این کار مرتکب این خطای اساسی می‌شود که با هیجان زیاد کار کند، و از این رو، به سرعت از کار دست خواهد کشید. اگر کار بگونه‌ای روان جریان نیابد، نباید عصبی شد، بلکه بهتر است استراحت کرد، اندیشید و آنگاه دوباره کار را آغاز کرد.

حتی برخی اوقات باید سرعت کار را آگاهانه کم کنیم تا بر خود تسلط یابیم.

در هنگام کار، به ویژه در صورتی که کار به راحتی جریان نیابد، باید به مدت کوتاهی کار را متوقف نمود، با دقت زیاد وسایل کار را مرتب کرد، اشیاء را نظم بخشید، زباله‌ها را به دور ریخت و از نو، با آهنگ موزونی به کار پرداخت. در صورت عدم موفقیت کامل کار، نباید دچار افسردگی و یاس شد، بلکه باید از نو آغاز کرد، انگار که بار اول است.

بردیاری در کار، مهمترین نکته است. در صورت بروز عدم موفقیت، نباید تمرکز حواس را از دست داد، بلکه باید بر خود مسلط بود و با آرامش، کار را دوباره آغاز کرد. بدین منظور باید قبل از آن، استراحت کوتاهی انجام داد.

برای بردبار شدن در کار، باید با خود

بدون نظم، بدون یک اشتیاق درونی و بدون بیکری هیچ کاری را نمی‌توان از پیش برد. نه کار شخصی را و نه تبلیغ مبارزاتی را، کمونیست‌ها مظهر نظمند. کمونیست‌ها می‌دانند که موثرترین سلاح مبارزه "سازمان" است. "سازمان" تنها مقوله‌ای نیست که ناظر به نحوه رابطه افراد دارای یک هدف واحد مبارزاتی باشد. "سازمان دادن" و "سازمانگر"، مقوله وسیعی است که رابطه افراد با موضوع و ابزار کارشان را نیز دربرمی‌گیرد. نمی‌توان سازمانی را موصوف به صفت منظم کرد، مگر این که استخوانبندی این سازمان را افراد منظم و بیکسر تشکیل دهند، افرادی که می‌دانند چگونه بین خود و موضوع کارشان رابطه‌ای منظم برقرار سازند.

در زیر بخش‌های اصلی متن جالبی را می‌خوانید در زمینه نظم در کار، در زمینه بیکری در پیشبرد امور، در زمینه چگونگی برقراری یک رابطه آگاهانه، شورانگیز، دلگرم‌کننده و منظم با موضوع کار. این متن دستورالعملی است که در سال‌های نخست حکومت شوروی، به صورت تابلویی در اتاق انتظار ولادیمیر ایلیچ لنین در ساختمان شورای کمیسرهای خلق نصب شده بود.

افراد سهل‌انگار اغلب نمی‌فهمند که چرا در سرکار، خلقتان تلخ است. باید با آنان آزمایشی انجام داد؛ محل کارشان را تمیز کرد و همه چیزهای غیر ضروری را جمع‌آوری نمود، آنگاه خواهید دید که خلق آن‌ها بهتر می‌شود و کار، بویایی جدیدی می‌گیرد. نظافت و نبودن اشیاء غیر ضرور، امر بسیار مهمی است. نظافت، سرچشمه دائمی احساس طراوت و بویایی است.

هیچ گاه نباید کاری را ناگهانی، بدون فکر کردن و با "از جا پریدن" آغاز کرد. باید کار را بطور نظام یافته دست گرفت. آنگاه، مغز و بدن، خود به حرکت می‌افتند و کار را آغاز می‌کنند. اگر "روی کار بهریم"، زود خسته می‌شویم و از کار هم، چیز بدرخور می‌عاید نخواهد شد. فرد، اگر کار را شتابزده آغاز کند، خسته می‌شود و کار را خراب می‌کند.

اکنون به مسئله جالب سرعت کار می‌پردازیم؛ به خواننده این سطور پیشنهاد می‌کنیم آزمایش زیر را انجام دهد؛ از صبح، سرعت کار را آهسته و تدریجی افزایش داده و با رسیدن به یک سرعت معین، آن را در تمام روز در همان سطح نگه می‌داریم.

این کار، دستاوردی واقعی در عرصه فرهنگ کار خواهد بود. دستاوردی که فرد، برای نیل بدان، نه نیاز به استفاده از وسایل پیچیده خواهد داشت و نه خواندن کتاب و رفتن به کلاس.

هنگام کار، مواقعی پیش می‌آید که باید همه نیروها را به شدت به کار گرفت. در چنین مواردی، صلاح نیست که فوراً بیکاری همه نیروها آغاز شود، بلکه باید نخست دیدی کلی به دست آورد و روان جسم را آماده کارهایی کرد که در پیش رو است. می‌توان گفت باید منبع انرژی خود را پر کرد. آنگاه باید به آرامی آغاز نمود، یعنی نیروی لازم را سنجید و تنها پس از آن، به استفاده کامل از آن روی آورد. باید بگونه‌ای عمل کرد که فضایی آرام حاکم باشد و انسان در درون خود هیچ چیز ناآرام‌کننده‌ای احساس نکند. اگر باز هم ناآرامی درونی در انسان ایجاد شود، باید به طریق اولی با آرامش به کار روی آورد و از این طریق به روحیه خود آرامش بخشید، زیرا در این صورت، می‌توان کار را بسیار بهتر انجام داد.

ما بهترین بخش زندگی خود را در محل کار خود می‌گذرانیم. از این رو باید بیاموزیم چگونه ای کار کنیم که کار، آسان شده و به مکتب دانشی زندگی تبدیل گردد.

پیش از آغاز کار، باید درباره آن، همه جانبه اندیشید. باید بگونه‌ای اندیشید که الگویی آماده و نهایی درباره کار و مراحل ضروری آن، از پیش در ذهن ایجاد شود.

اگر بررسی ذهنی کل مجموعه تا به آخر و به یکباره، ناممکن باشد، باید درباره گام‌های اصلی اندیشید. در این میان، اندیشیدن به بخش نخست کار باید کاملا اساسی باشد. اکثر کارها از این رو ناموفقند که از همان آغاز، درباره آن به درستی فکر نشده است. عموماً افراد به قول معروف "خود را روی کار می‌اندازند". اما عملاً بهتر است انسان اندکی درنگ کند و در هر حال درباره کار به گونه‌ای بیندیشد که کار انجام شده را بدون زحمت، بطور عینی و زنده در برابر خود ببیند.

نباید پیش از تدارک همه ابزار و وسایل مورد نیاز برای کار، آن را آغاز کرد. یک فرد سهل‌انگار، نگران آن نیست که درباره هر آنچه برای کارش نیاز دارد، دقیقاً فکر کند.

باید خود را با این عادت پرورش دهیم که از آغاز، دیدی کلی درباره همه ابزار و وسایل مورد نیاز کار داشته باشیم. بدین منظور باید حتی به چیزهای جزئی اندیشید.

فرد میان فرد منظم و فرد سهل‌انگار در این است که اولی، همه چیز را نزدیک و در دسترس دارد. اما در کنار انسان سهل‌انگار و سر به هوا، همه چیز بدون نظم و ترتیب پراکنده است. انسان‌هایی که پیوسته باید کار خود را به منظور جستجوی ابزار قطع کنند، دائماً در ناآرامی و شتاب به سر می‌برند، همه کار را با حواس پرتی انجام می‌دهند و هم به خود و هم به کارشان لطمه می‌زنند. در محل کار (ماشین تراش، میز کار، میز تحریر، صندوق، روی زمین، در مزرعه) نباید اشیاء بلا استفاده‌ای وجود داشته باشد. نباید اشیاء پراکنده باشند تا مجبور شویم پیبوده اشیاء ضروری را از میان اشیاء غیر ضروری جستجو کنیم. به همان اندازه که تدارک همه چیز برای کار اهمیت دارد، این هم مهم است که چیزهای غیر لازم نیز پراکنده نباشند.

فیلیپین: بحران ادامه دارد

بقیه از صفحه آخر

امپریالیستی ایجاد شده، زمینه‌ای برای افزایش ناراضی‌های در میان مردم و مبارزه فعال در راه رهایی ملی و اجتماعی و علیه نواستعمار و عوامل آن است.

حزب کمونیست فیلیپین در این مبارزه در صف مقدم قرار دارد...

ریشه بحران

ما از این موضع روشن و مستحکم دفاع می‌کنیم که تضاد اصلی جامعه ما، تضاد میان خلق فیلیپین و امپریالیسم آمریکاست. البته اکثریت مردم فعلا بدین سمت گرایش دارند که ریشه‌های ناپسامانی اجتماعی را تنها در رژیمی که مدت زیادی بر سر کار بود، ببینند. این امر، از جمله نتیجه تاثیر تبلیغات امپریالیستی است. امپریالیسم برای پوشاندن نقش واقعی نظام اجتماعی-اقتصادی نواستعماری حاکم بر فیلیپین ترجیح داد، مسئولیت را به گردن قشر فوقانی حاکم (در رژیم مارکوس) بیندازد...

از این رو، حزب ما کار روشنگرانه خود را تشدید کرده و به مردم می‌گوید که ریشه اصلی همه رنج‌هایشان، نظام کنونی وابستگی نواستعماری است. حزب ما، افشار گوناگون مردم را برای اقدامات



زائغه‌نشینان اطراف مانیل

مشخص ضد امپریالیستی که در آن، مسایل مورد توجه مردم محور است، بسیج می‌کند و زحمتکشان را فرامی‌خواند تا علیه هر شکل از حاکمیت نواستعماری به مقابله سیاسی برخیزند. پایه حزب کمونیست فیلیپین، هم‌چنان پرولتاریای صنعتی و کشاورزی است. حزب ما در اقدامات خود به منظور افشا و خنثی کردن توطئه‌های امپریالیستی، قبل از هر چیز بر حمایت سازمان‌های مختلف کارگری و دهقانی متکی است. نفوذ حزب ما در جنبش جوانان،

امپریالیسم آمریکا باشد و دست به اقدام علیه منافع واقعی خلق بزنند، رد و محکوم می‌کند."

ما پنهان نمی‌کنیم که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، موضع اعتراض فعال در پیش گرفتیم. ما به کاندیداهای اپوزیسیون رای ندادیم زیرا بر آن بودیم که برنامه وی نه تنها مبهم بود، بلکه تفاوت چندان هم با مطالبات صندوق بین‌المللی بول، که تحقق آن‌ها برای میلیون‌ها فیلیپینی رنج‌های بسیار به بار آورده، نداشت.

روشن است که حکومت کنونی مورد پشتیبانی واشنگتن است. در این حکومت که تحت رهبری یک سیاستمدار برجسته یورو-امپریالیست قرار دارد، نمایندگان نیروهای نه تنها متفاوت، که متضاد حضور دارند، نغما می‌ان.

سائریست‌های چپ که تأمین حقوق شهروندی را به شعار اصلی خود تبدیل کرده‌اند، و سرمایه‌داران، اما رژیم جدید، بر روی موجی از اقدامات خلقی به قدرت رسیده و از حمایت توده‌ها برخوردار است. از این رو، امکانات این رژیم برای اعمال استقلال بیشتر در قبال دستورهای خارجی، از همه اسلاف آن بیشتر است. البته این امر آسان نخواهد بود، زیرا فشار از خارج، بله‌ها کاهش نخواهد یافت. محافل امپریالیستی دست به هر کار خواهند زد و می‌زنند تا آزادی تصمیم‌گیری رئیس‌جمهور جدید را به چارچوب‌های مطلوب خود که به ضرر استقلال ملی و منافع خلق ماست، محدود سازند.

دانشجویان، زنان و صلح، محسوس است. ما بر آنیم این سازمان‌ها را در مبارزه مشترک منسجم‌تر کرده و جبهه وسیع و واحدی از نیروهای ضد امپریالیست، که در هله اول بر اتحاد طبقه‌کارگر و دهقانان متشکل متکی باشد، به وجود آوریم. برای آن که این جبهه، از پایه هر چه گسترده‌تری برخوردار شود، حزب ما فعلا نه در میان افشار مختلف اجتماعی سرف‌نظر از وابستگی سیاسی، سمت‌گیری ایدئولوژیک و اعتقادات مردم، کاری می‌کند.

بلوک میهنی و ملی-دمکراتیک در حال شکل‌گیری، که البته هنوز به قدرت برخی دیگر جریان‌ها در زندگی سیاسی فیلیپین نیست، از آن‌جا که مشی آن بر واقعیات اوضاع سیاسی داخلی و خارجی انطباق دارد، روبه‌گسترش و تحکیم است.

سیاست حزب کمونیست

فیلیپین

همان‌گونه که فلیسیسو ماکاپاگال، دبیر کل حزب ما، در نامه‌ای، به کورازون آکینسو رئیس‌جمهور جدید، تأکید کرده، حزب کمونیست در تعیین سیاست خود در قبال هر دولتی، همواره از این اصل پیروی کرده و می‌کند که "از هر حکومتی که از منافع توده‌های مردم فیلیپین دفاع و سلطه خارجی بر کشور را محدود کند، حمایت خواهد نمود، اما هر حکومتی را که در خدمت

کوچکی کسب می‌کنیم، فوراً آن را جار می‌زنیم، در پاره‌اش مطلب می‌نویسیم و گزارش می‌دهیم. یک هفته بعد، سرو صداها می‌خوابد. از این رو، خویشش‌داری در هر رابطه، حتی وقتی موفق می‌شویم، لازم است.

پس از پایان کار، باید همه چیز را مرتب کرد، موضوع کار، وسایل کار و محل کار. همه چیز باید در جای معین خود قرار گیرد تا اگر بخواهیم به کار جدیدی بپردازیم، همه چیز را فوراً بیابیم. در غیر این صورت، کار از همان اول با جستجو در میان بی‌نظمی، نامطبوع خواهد شد.

حتماً ضروری است پیش از پایان کار همه چیز مرتب شود و بر اساس نظم ضروری سرچایشان قرار گرفته و شسته و تمیز شوند. باید همیشه به روز بعد هم فکر کرد، به سر کار می‌روید، میز کار کثیف است، وسایل سر جای خود نیستند و نمی‌شود پیداایشان کرد. تاثیر این آشفتگی بر روی انسان چیست؟ در چنین موردی، انسان ترجیح می‌دهد تف کند تا این که کار را شروع کند!

رسیدگی به محل کار و مراقبت از آن همان اهمیتی را دارد که نظافت و رسیدگی به خود انسان دارد.

می‌دهد. ما با هر مرتکب این خطا می‌شویم که هزار کار به عهده می‌گیریم، اما یکی از آن‌ها را هم تا آخر انجام نمی‌دهیم.

باید این قاعده را رعایت کرد؛ روی یک وظیفه معین، باید تا دستیابی به موفقیت، عمیق، موزون و متمرکز کار کرد. یک عادت نادرست دیگر هم وجود دارد، آن‌هم این عادت که انسان بخواهد پس از انجام کار، فوراً آن را به کسی نشان دهد. اکیداً لازم است انسان در این رابطه خویشش‌داری به خرج دهد. می‌توان گفت، باید به موفقیت‌ها عادت کرد، خرسندی را در مرزهای معینی نگه داشت و به خرسندی درونی تبدیل کرد، زیرا در غیر این صورت، اگر کار موفق نباشد، اراده کاری لطمه می‌خورد و احتمالاً فرد از کار دل‌زده می‌شود.

این مهم است که انسان، در کار موفق باشد و آن را خوب انجام دهد، بدون آنکه خرسندی خود را نشان دهد، زیرا وقتی در مورد دیگری، کار موفق نباشد، انسان مجبور می‌شود آن را از دیگران پنهان کند، و در نتیجه، همان رنجی را می‌کشد که خودنماها در چنین مواردی می‌کشند.

کسی که واقعا به کارش می‌ورزد، باید اکیداً خویشش‌دار باشد. ما اغلب وقتی موفقیت

مبارزه‌ای واقعی انجام داد. معمولاً جریان بدین صورت است:

فردی که کاری را خراب می‌کند، دیوانه‌وار از جای می‌پرد و آنگاه فوراً کار را از سر می‌گیرد. درست مثل یک مسابقه، بسیار سریع و شتابزده کار را شروع می‌کند. اما در عین حال، کارش بدون تمرکز است زیرا می‌کوشد در هر صورت، وقت از دست رفته را بچیران کند.

می‌بینیم که کار برای بار دوم خراب می‌شود. از این رو باید موزون، به ترتیب معین و تمیز کار کرد.

حین کار نباید گذاشت ذهن و حواس انسان متوجه چیز دیگری شود، مگر آنکه برای خود کار ضروری باشد. اغلب، ما به کار توجه لازم را نمی‌کنیم و با آنکه لازم است در کار عمیق شویم و انحراف نیابیم، چیزهای دیگر منحرفان می‌کنند. دیده می‌شود که بعضی‌ها هم بدین گونه کاری می‌کنند و هنگام کار ناگاه دنبال چیزی می‌دوند، چیزی که در بسیاری موارد، اصلاً به آن نیازی ندارند. نتیجه این دوندگی‌ها چیست؟

انسان، شوق کاری خود را از دست می‌دهد، با پرداختن به جزئیات وظیفه لحظه را فراموش می‌کند، بر حجم کار می‌افزاید و رشته کار اصلی را از دست

اخیرا عناصر معینی در (I.L.O) نهایت کوشش خود را به کار گرفته اند تا نشان دهند که حقوق زحمتکشان و اتحادیه‌ها، در کشورهای سوسیالیستی لگدمال می‌شود. آنچه مسکوت گذاشته می‌شود آنست که در قانون اساسی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی حق کار مثبت شده و حق هر شهروند برای کار در رشته مورد علاقه‌اش در نظر گرفته می‌شود. در قانون کار اتحاد شوروی تضمین‌های موثر قانونی وجود دارد. تضمین‌های سازمانی و اجتماعی - اقتصادی حق کار، هدف رشد اقتصادی و دستگاه‌های دولتی برای تدارک مشاغل، کارآموزی حرفه‌ای و غیره می‌باشند.

در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با تضمین‌های قانونی، برخورداری کامل و مساوی از حق کار، برای همه علی‌رغم جنس، سن، ملیت، وابستگی حزبی، اعتقادات مذهبی و غیره پیش‌بینی شده است. در برخی حالات، تضمین‌های اضافی برای گروه‌های اجتماعی ویژه، مثل زنان و جوانان موجود است. این تضمین‌ها به هیچ‌رو صرفا ظاهری نیستند. درصد زنانی که به کار فکری اشتغال دارند می‌تواند تاییدی بر این گفته باشد. در اتحاد شوروی سه چهارم معلمان، دوسوم دکنرها، حدود نیمی از مهندسی و دو پنجم کارکنان پژوهشی - علمی را زنان تشکیل می‌دهند.

میزان بیکاری در میان زنان در پاره‌ای از کشورها، پنجاه درصد بالاتر از بیکاری در میان مردان و کیفیت کارآموزی حرفه‌ای آن‌ها پایین‌تر از مردان است. برای مثال، در ایالات متحده، زنان تنها ۱۵ درصد از کارگران ماهر، دو درصد از مهندسی و ۹ درصد از کارکنان علمی را تشکیل می‌دهند. این نسبت در اتحاد شوروی در مهندسی ۲۲ بار و در رابطه با کارکنان علمی نزدیک به ۵ بار بیشتر از آمریکا است. جوانان زیر ۲۵ سال، حدود ۴۰ درصد بیکاران در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهند. میزان بیکاری در میان جوانان حداقل دو برابر میانگین ملی است.

از این بدتر وضع اقلیت‌های ملی و کارگران مهاجر است. طبق شاخص‌های رسمی، در آغاز دهه هشتاد بیکاری در میان سیاهان آمریکا تقریبا دو برابر سفیدپوستان بود. علاوه بر تبعیض در مزد، در کار نیز تبعیض وجود دارد. به عنوان نمونه، درصد سیاهان در میان مهندسی، تکنیسیان و بقیه در صفحه ۷

اکنون بسیاری از اینان با دورنمای واقعی از دست دادن کار خود مواجه‌اند. در ایالات متحده بیش از نیمی از فارغ التحصیلان کالج‌ها قادر به یافتن کاری در رشته خود نیستند. در جمهوری فدرال آلمان، شار بیکاران فارغ التحصیل از دانشگاه، دلی چهار سال گذشته چهار برابر شده است.

روند افزایش مشاغل طی سال‌های اخیر به طرز چشمگیری کاهش یافته است. در بریتانیا طی سال ۱۹۷۵، ۱۳/۷ درصد از مجموع تعداد بیکاران برای مدت یک سال بیکار بودند. این رقم در سال ۱۹۸۵ به ۲۹/۴ درصد رسید. آمارهای مشابه در فرانسه ۲۱/۷ درصد در سال ۱۹۷۲ و نزدیک به ۲۴ درصد در آغاز دهه ۸۰ بود. درصدهای مشابه در جمهوری فدرال آلمان به ترتیب ۱۲/۸ درصد و حدود ۲۰ درصد در سال ۱۹۷۲ و آغاز دهه ۸۰ بودند. کارشناسان (I.L.O) پس از یک بررسی در اوت سال گذشته، بر این باور شدند که "بمب ساعتی اجتماعی - اقتصادی ممکن است بزودی منفجر شود". به سختی می‌توان با این ارزیابی مخالف بود. معضله این سؤال پیش می‌آید، (I.L.O) که کارشناسان می‌باید در هر کجا از منافع زحمتکشان حمایت کنند، از این امر چه نتایجی گرفته است؟ متأسفانه، عملکردهای (I.L.O) با اظهاراتش مطابقت ندارند. به عنوان نمونه هنوز قراردادی در برابری حق کار علی‌رغم آنکه نیاز به چنان سندی سال‌هاست که عمیقا احساس می‌شود، توسط آن به تصویب نرسیده است.

درست است که بعضی از اسناد (I.L.O) به برخی جوانب مساله کار اشاره می‌کنند. برای نمونه، عهدنامه ۱۲۲ که در سال ۱۹۶۴ پذیرفته شد کشورهای عضو (I.L.O) را موظف می‌کند سیاست فعالی را با هدف بهبود کامل، آزادانه و سودمند شرایط انتخاب کار دنبال کنند. اما، حتی کارشناسان (I.L.O) خود معترفند که این سیاست، مایوسانه کنار گذاشته می‌شود.

امروز بیکاری مهمترین مساله‌ای است که کارگران کشورهای سرمایه‌داری با آن مواجه‌اند. بنابر این قرار دادن آن در ردیف دیگر "نیازهای اساسی" آن‌طور که غالباً، محافل رهبری (I.L.O) انجام می‌دهند، نادرست است. با این رویه، به مساله، توجه لازم نخواهد شد. اگر چه در موارد دیگری غیر از منشور حق کار نیز، می‌توان حرف و عمل را مقایسه نمود.

چهار سال پس از دهمین کنفرانس جهانی سندیکاها در هاوانا، در سپتامبر سال جاری در شهر برلین یازدهمین کنفرانس جهانی سندیکاها برگزار می‌شود. در این کنفرانس ۴۰۰ سازمان بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی سندیکایی شرکت خواهند داشت. ایراهیم زکریا دبیرکل فدراسیون جهانی سندیکاها طی مصاحبه‌ای دستور کار این کنفرانس را تشریح کرد. وی خلع سلاح و صلح، حق کار و نامین اجتماعی در کشورهای سرمایه‌داری و از بین بردن فقر و گرسنگی در کشورهای رشد‌یافته را از جمله آماج‌هایی دانست که سندیکاها باید کارگری در راه آن‌ها می‌رزمند.

در آستانه برگزاری کنفرانس برلین، کوتاه‌شده مقاله‌ای از روزنامه شوروی عصر جدید را برای انتشار برگزیده‌ایم که دو نوع برخورد را با حق کار، بررسی می‌کند. این مقاله به مناسبت برگزاری کنفرانس عمومی دفتر بین‌المللی کار (که مدافعین سرمایه‌داران در آنجا نفوذ قابل توجه‌ای دارند) نوشته شده، و در شماره ۲۴ سال ۸۶ این روزنامه درج گردیده است.

دوشیوه برخورد با حق کار



عنوان مازاد بر نیاز از کار محرومند، متجاوز از سی میلیون نفر است. آمارهای رسمی که هراز گاهی اعلام می‌شوند، نشان می‌دهند که در شاخص‌های (I.L.O) نوعی تمایل به پنهان کردن ارقام واقعی مستتر است. بررسی‌های عینی گویای آنست که میزان بیکاری در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری از چهل میلیون فراتر است. این وضع در کشورهای رشد‌یافته چنان ابعدی یافته است که هر گونه ارزیابی دقیق را مشکل می‌سازد.

شتاب فزاینده بیکاری همچنان تداوم دارد. برای مثال در جمهوری فدرال آلمان، تعداد بیکاران طی ده سال گذشته از ۱/۱ میلیون به ۲/۶ میلیون، در بریتانیا از ۹۰۰ هزار به ۲/۲ میلیون، در فرانسه از ۹۰۰ هزار به ۲/۴ میلیون و در ایتالیا از ۱/۲ میلیون به ۲ میلیون افزایش یافته است. در ایالات متحده رقم بیکاران هنوز ۲۰۰ هزار نفر بیش از میزان آن در سال بحرانی ۱۹۷۵ است.

یکی از صفات ممیزه سال‌های اخیر، گسترده‌گی اجتماعی بیکاری است. در گذشته نه چندان دور، بدست آوردن کار برای مهندسی و معلمین یا کارکنان دولتی مساله بزرگی نبود.

یکی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و پیش شرط اولیه رشد آزاد فرد، حق کار است که در اسناد سازمان ملل مانند بیانیه جهانی حقوق بشر و عهدنامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ثبت است. برش‌های مربوط به این مساله چند جانبه، همواره در کانون مباحثات سازمان بین‌المللی کار قرار داشته است.

در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و همچنین کشورهای رشد‌یافته حق کار یکی از عاجل‌ترین مسایل اجتماعی و اقتصادی است. چشم بستن به روی شرایط واقعی بازار کار بطور فزاینده‌ای دشوار می‌شود. در پاییز گذشته، مدیرکل دفتر بین‌المللی کار (I.L.O) فرانسیس پلانچارد با برخوردی همه جانبه به حقایق موجود گفت: "بیکاری همچنان به عنوان عاجل‌ترین مساله‌ای که ارکانیسم اجتماعی را می‌فرساید و در آخرین تحلیل نهادهای اجتماعی رایج مخاطره می‌اندازد و از رشد آتی جامعه جلوگیری می‌کند، باقی‌مانده است."

طبق شاخص‌های دفتر بین‌المللی کار در کشورهای بازار مشترک، ۱۲/۷ میلیون نفر یعنی ۱۱/۲ درصد نیروی کار، بیکارند. در کشورهای سرمایه‌داری مجموع کسانی که به

ریگان پارادبگر تحریم آفریقای جنوبی را رد کرد

هر گونه اقدامی علیه ریه آفریقای جنوبی را رد کرد و در عوض، کشورهای اروپایی غربی توافق کردند از طریق فرستاده ویژه‌ای تماس‌های خود با ژنرال ایساک را ادامه دهند.

روزنامه نیویورک تایمز به نقل از منابع دولتی آمریکا نوشت سرویس‌های جاسوسی ایالات متحده از سال‌ها پیش اطلاعاتی در مورد کنگره ملی آفریقا و کشورهای شواستقلال آفریقای در اختیار دولت آفریقای جنوبی گذاشته‌اند. نیویورک تایمز می‌نویسد البورتامبور ریس کنگره ملی آفریقا و سایر رهبران این سازمان طی سفرهای خود به اروپای غربی تحت مراقبت و بیکرد دایمی سرویس‌های جاسوسی غربی قرار دارند. به نوشته این روزنامه، اطلاعاتی که سیا در اختیار رژیم آپارتاید قرار داده، جهت برنامه‌ریزی حملات علیه کشورهای همسایه آفریقای جنوبی مورد استفاده قرار گرفته است.

هم کاری خود بار رژیم آفریقای جنوبی، در قبال کشتار مردم سیامپوست این کشور مسئولیت مستقیم دارد. جفری هاو، وزیر خارجه انگلیس و فرستاده بازار مشترک اروپا به جنوب آفریقا، با یوتار بیس جمهور آفریقای جنوبی دیدار و گفتگو کرد. جبهه متحد دمکراتیک، بزرگترین ائتلاف قانونی ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی، از پیش هر گونه مذاکره با هاو را رد کرده بود. هاو از آفریقای جنوبی به زامبیا رفت. کینت کائوندا رییس جمهوری زامبیا طی دیدار با هاو صریحا اعلام داشت از سفر فرستاده دولت تاجر به کشورش استقبال نمی‌کند. وی گفت بریتانیا نیز مانند ایالات متحده می‌کوشد جلو اقدامات موثر علیه رژیم آپارتاید را بگیرد.

سفر وزیر خارجه بریتانیا به جنوب آفریقا در پنج‌چوب مصوبات کنفرانس ماه گذشته بازار مشترک اروپا بپرامون آفریقای جنوبی صورت گرفت. در این کنفرانس، بریتانیا و آلمان فدرال جلو تصویب

در حالی که خواست تحریم اقتصادی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی هر روز در سراسر جهان مدافعان بیشتری می‌یابد و حتی در میان نمایندگان مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا نیز اکثریت خواهان اقداماتی در این جهت است، ریگان هفته گذشته طی یک کنفرانس مطبوعاتی پارادبگر اعمال هر گونه مجازات اقتصادی علیه رژیم آپارتاید را رد کرد. وی مدعی شد تحریم آفریقای جنوبی به ضرر سیامپوستان خواهد بود. این در حالی است که همه نمایندگان اکثریت سیامپوست مردم آفریقای جنوبی یک صدا خواهان اعمال مجازات‌های اقتصادی بین‌المللی علیه رژیم پرتوریهاستند.

نطق ریگان در داخل و خارج آمریکا به عنوان نشانه ادامه حمایت واشنگتن از نژادپرستان شدیداً محکوم گردید. کنفرانس وزرای خارجه سازمان وحدت آفریقا در قطعنامه‌ای که به امضای ۵۰ کشور عضو این سازمان رسید، تأکید کرد غرب از طریق

آمریکاپارادبگر انفجار هسته‌ای انجام داد

کشور در کنفرانس خلع سلاح ژنوبیشنهادی در مورد ایجاد نظام میادله گسترده نتایج اندازه‌گیری‌های لرزه‌نگاری در سطح بین‌المللی ارایه نموده است تا امر کنترل متقابل پای‌بندی به توافق احتمالی پیرامون قطع آزمایش‌های هسته‌ای تسهیل گردد. محافل صلحدوست و ترقیبخواه در کشورهای مختلف جهان، ضمن مقایسه برخورد متضاد اتحاد شوروی و ایالات متحده در زمینه انفجارهای هسته‌ای به‌طور روزافزونی متی مخرب آمریکا را محکوم و از ابتکارهای شوروی در این زمینه حمایت می‌کنند.

تنها یک هفته پس از چهاردهمین آزمایش هسته‌ای ایالات متحده به دنبال توقف یک جانبه این آزمایش‌ها از سوی اتحاد شوروی، روز پنج‌شنبه گذشته، صحرای نوادای آمریکا پارادبگر بر اثر انفجار بمب آزمایشی پنناگون به لرزه درآمد. دولت آمریکا باز هم نشان داد برای افکار عمومی جهان و خواست یکپارچه جامعه بین‌المللی، ارزش فایده نیست. انفجار هفته گذشته، هشتمین آزمایش هسته‌ای آمریکا در سال ۱۹۸۶ بود. وزارت خارجه اتحاد شوروی اعلام کرد این

کمیسون بررسی سانحه چرنوبیل

به کار خود پایان داد

کمیسون دولتی شوروی که به منظور بررسی علل سانحه اتمی چرنوبیل تشکیل شده بود، به کار خود پایان داده و گزارش خود را به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارایه نمود. دفتر سیاسی حزب در جلسه ویژه‌ای، یک سلسله تصمیمات در رابطه با این گزارش اتخاذ کرد. دفتر سیاسی مقرر داشت وزارتخانه‌ها و ارگان‌های دولتی مربوطه در اسرع وقت تدابیر بیشتری برای تضمین امنیت کار نیروگاه‌های هسته‌ای تدوین کرده و به مورد اجرا بگذارند. به تصمیم دفتر سیاسی، به علت اشتباهات و خطاهای فاحش برخی مسئولین، شماری از آنان از کار برکنار شدند.

کمیسون بررسی سانحه چرنوبیل در گزارش خود به این نتیجه رسیده است که سانحه، بر اثر زنجیره‌ای از موارد نقض مقررات ایمنی توسط کارکنان نیروگاه به وقوع پیوست. گزارش، "عدم احساس مسئولیت، نقض فاحش وظایف و بی‌انظباطی" را علت سانحه دانسته است. کمیسون در گزارش خود می‌افزاید مقامات دولتی وظایف خود در مورد کنترل کار نیروگاه‌ها را به‌طور کامل انجام نداده‌اند.

حزب کمونیست شیلی خواهان توافق اپوزیسیون برای سرنگونی پینوشه شد

کردند. شرط مقدم این امر از نظر حزب کمونیست شیلی، خلع‌ید از پینوشه است. چهارشنبه شب گذشته واحدهای پلیس پارادبگر ۲۱۲ جوان را دستگیر کردند. این دستگیری گسترده به دنبال حمله پلیس به تظاهرات دانشجویان برای آزادی معاون رییس اتحادیه دانشجویان شیلی صورت گرفت. این تظاهرات از جمله اقدامات متعدد به منظور ابراز همبستگی با مبارزان دستگیر شده در جریان اعتصاب سراسری چند هفته پیش شیلی بود.

حزب کمونیست شیلی طی بیانیه‌ای که در سانتیاگو انتشار یافت، از همه سازمان‌های اپوزیسیون کشور خواست موافقتنامه‌ای برای محو دیکتاتوری و کداریه در اسامی منعقد سازند. در این بیانیه آمده است که چنین توافقی، نظر به میزان انزوای رژیم ممکن و ضروری است. حزب کمونیست شیلی در بیانیه خود خاطر نشان می‌سازد ارتش و سایر ارگان‌های مسلح توسط فاشیسم به ابزارهایی ضد ملی تبدیل شده‌اند و از این رو باید منحل و بیاد مکر اتیزه

اخبار کوتاه

* **دانیل اورنگا، رییس جمهور نیکاراگوئه، در سخنرانی خود به مناسبت هفتمین سالگرد انقلاب ساندینیستی که در برابر ۱۰۰ هزار تن از مردم این کشور ایراد نمود، سیاست آمریکا در مقابل کشورش را شدیداً محکوم کرد و اعلام داشت نیکاراگوئه به زانو در نیامده و به‌طور مصمم از انقلاب خود دفاع خواهد کرد.**

* **ارتش آمریکا و واحدهایی از نیروهای مسلح هند و روس هفته گذشته مانورهای تحریرک آمیز مشترکی در خاک هندوراس انجام دادند. از سه سال پیش بدین سو، ایالات متحده بیش از ۲۰ مانور جنگی در آمریکای مرکزی انجام داده است.**



پلیس رژیم پینوشه شماری از شرکت کنندگان در تظاهرات ضد دولتی را دستگیر کرده است.

سفر شیمون پروز به مراکش: تلاش برای احیای "روند کمپ دیوید"

سطح بین‌المللی مورد استقبال وسیعی قرار گرفت و دولت‌های عربی و حتی دولت فرانسه از آن حمایت کردند. تنها دولت ریکان مخالفت خود را با پیشنهاد شوروی اعلام نمود. اینک به نظر می‌رسد واشنگتن برای تحت‌الشعاع قراردادن اینکار شوروی، اجرای سناریوی ملاقات پروز - حسن را با شتاب و سراسیمگی جلو انداخته است، به گونه‌ای که این دیدار بدون اعلام زمینه‌سازی قبلی صورت گرفت.

حزب کمونیست اسرائیل اعلام کرد تلاش‌هایی از قبیل سفر پروز به مراکش، مساله خاور نزدیک را حل نخواهد کرد. مهابرویلنر، دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل در یک بیانیه مطبوعاتی خاطر نشان ساخت ملاقات پروز - حسن، ادامه توهمات ارتجاعی اسرائیل و آمریکا است که می‌پندارند خواهند توانست به کمک حکام دست‌نشانده مصر، اردن و مراکش، بحران خاور نزدیک را "حل" کنند. وی افزود همه اینگونه تلاشها تا کنون به ویژه از آن رو با شکست مواجه شده‌اند که مسئله محوری بحران، یعنی مسئله فلسطین را نادیده انگاشته‌اند. ویلنر تاکید کرد سیاست آمریکا و اسرائیل بر جنگ و تجاوز استوار است. دبیرکل حزب کمونیست اسرائیل گفت برای مسئله خاور نزدیک هیچ راه حلی که بدون حضور خلق فلسطین و ساف، نماینده قانونی آن، تحقق پذیرد، و یا حتی ست آن علیه مردم فلسطین و ساف باشد، وجود نخواهد داشت.

سه‌شنبه گذشته، در حالی که هواییمای حامل شیمون پروز نخست‌وزیر اسرائیل عازم مراکش بود، خبرگزاری‌ها خبر برنامه دیدار وی با ملک حسن پادشاه مراکش را انتشار دادند. مطبوعات و رسانه‌های گروهی امپریالیستی، تبلیغات پروسوستانی در مورد این سفر و دیدار به راه انداختند و با اظهار خرسندی، اعلام کردند تلاش برای احیای "روند کمپ دیوید" جان تازه‌ای گرفته است. از نتایج دیدار و قرارهایی که برای آینده گذاشته شده، گزارشی انتشار نیافته است. اما در حالی که ملک حسن کوشید و انمود سازد این دیدار، نتایج مشخصی به همراه نداشته است، شیمون پروز اعلام کرد در آینده نیز مذاکراتی با ملک حسن خواهد داشت. نیروهای ترقی‌خواه جهان عرب و منطقه، دیدار ملک حسن و شیمون پروز را به عنوان گامی علیه منافع خلق‌های عرب و به ویژه خلق فلسطین، محکوم کردند. دولت سوریه کلیه مناسبات خود را با مراکش قطع نمود. ناظران سیاسی خاطر نشان ساختند با توجه به این که سفر پروز به مراکش، تنها چند هفته پس از اعلام ابتکار جدید صلح شوروی در مورد خاور نزدیک صورت می‌گیرد، زمان ملاقات مراکش تصادفی انتخاب نشده است. اتحاد شوروی اخیرا پیشنهاد کرد برای تدارک برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی در رابطه با اوضاع خاور نزدیک، کمیسیون پنج‌جانبه‌ای از اعضای دائمی شورای امنیت (اتحاد شوروی، چین، فرانسه، انگلیس و آمریکا) تشکیل شود. این پیشنهاد در

فیلیپین: بحران ادامه دارد

تشریح سیاست‌های رژیم مارکوس و رویدادهایی که به سرنگونی آن انجامید، اختصاص دارد. در زیر، فشرده‌ای از بخش دوم را که به اوضاع سیاسی و اجتماعی - اقتصادی جاری در فیلیپین می‌پردازد، می‌آوریم.

بحرانی که در همه جایه چشم می‌خورد، در صنایع، در کشاورزی، در خدمات و در موسسات مالی خصوصی و دولتی. از وخیم‌ترین عواقب این اوضاع، فرار سرمایه‌ها در ابعاد بزرگ است. بنا به تخمین‌های مختلف، انحصارات و بانک‌های فرامیثی به ازای هر دلار سرمایه‌گذاری‌شان، بین دو تانه دلار از کشور خارج می‌کنند.

تشدید فقر و فلاکت

دو سال گذشته در فیلیپین آهنگ رشد اقتصادی نه تنها به‌طور نسبی، بلکه به‌طور مطلق کاهش یافت و بی‌کاری به ابعاد فاجعه‌آمیزی رسید. در برخی مناطق از هر چهار نفر جمعیت فعال، یک نفر بی‌کار است. تورم به سرعت رشد کرده و از همه بیشتر، دامن فقیرترین اقشار مردم را گرفته است. برخی آمارها حاکی است درآمد واقعی زحمتکشان در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۴، ۴۵ درصد کاهش یافته است.

در حال حاضر، ۷۰ درصد فیلیپینی‌ها در زیر سطح فقر زندگی می‌کنند. چنین شرایطی که بر اثر تشدید استثمار نواستعماری بقیه در صفحه ۱۲

در شماره اخیر نشریه "مسایل صلح و سوسیالیسم"، مقاله‌ای تحت عنوان "فیلیپین، نواستعمار راه‌برون رفتی آریه نمی‌کند" به نوشته خوزه لارا، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین چاپ شده است. بخش نخست این مقاله، به

اقتصاد ناپسامان

آیا موقعیت بحرانی در فیلیپین واقعا از بین رفته است؟ نه، زیرا ریشه‌های آن بسیار عمیقند. کشور ما هم اینک دچار وخیم‌ترین بحران اقتصادی، اجتماعی و معنوی خود پس از پایان جنگ جهانی دوم است. این بحران، از بسیاری جهات مشابه بحرانی است که سایر کشورهای را نیز که راه رشد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را طی می‌کنند، می‌لرزاند. امروز اقتصاد فیلیپین را تنها از لحاظ جغرافیایی می‌توان یک اقتصاد ملی نامید. این اقتصاد، یک اقتصاد نواستعماری است که به جای منافع مردم فیلیپین، منافع انحصارات فرامیثی را تأمین می‌کند. در پشت این انحصارات، دولت‌های امپریالیستی و موسسات مالی تحت کنترل آن‌ها، مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی و غیره قرار دارند. این منافع توسط نیروی نظامی ایالات متحده که در فیلیپین پایگاه ایجاد کرده و نیرو مستقر نموده است، تضمین می‌شوند. ... این است مهم‌ترین علت

با جمع‌آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید!

AKSARIYAT
NO. 117
MONDAY JUL 28, 86
Address: ادرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

* هفته گذشته کره جنوبی بار دیگر شاهد تظاهرات علیه دیکتاتوری چون دوهوان بود. عکس، صحنه‌ای از یورش پلیس به یک تظاهرات در سئول را نشان می‌دهد. پلیس در این تظاهرات چندین نفر را مجروح کرد.



مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!